



کلیات

مقدمه

برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی دوره اول متوسطه، از مهم‌ترین برنامه‌های درسی است که از یک سو با دوره ابتدایی و متوسطه و از سوی دیگر با سایر برنامه‌های درسی این دوره ارتباط معناداری دارد؛ به گونه‌ای که ذهن و زبان دانش‌آموز را نسبت به دنیای یاددهی - یادگیری علوم پویاتر و گویاتر می‌کند. برنامه درسی فارسی راهنمایی در سال ۱۳۷۲ با شکل و ساختاری کاملاً اجرایی آزمایشی، وارد چرخه آموزشی کشور شد. کتاب‌های فارسی موجود که بر مبنای «طرح تفصیلی فارسی دوره اول متوسطه» تهیه و سازماندهی شده بود، به نوبه خود تحول عظیمی را در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی ایجاد کرد و با رویکردی کاملاً نوین در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار گرفت. با توجه به اینکه به نسبت تحولات علمی، فرهنگی و اجتماعی، برنامه‌های درسی نیز جهت هماهنگی و هم‌پوشی با آنها دستخوش تغییرند، ضرورت داشت برنامه درسی فارسی پس از طی یک دهه تدریس کتاب‌های فارسی در مدارس، مورد تجدیدنظر و بازنگری قرار گیرند.

در ساختار دروس کتاب درسی، ادبیات در هیئت متن‌های درسی زیبا و رسا، اشعار، حکایات و داستان‌هایی از متون کلاسیک و نوین ایران و جهان، سامان پذیرفته است. مقوله‌های زبانی نیز در قالب آموزه‌های دستوری، نگارشی و املا تدوین یافته‌اند.



فلسفه وجودی، ماهیت و ساختار ماده درسی

زبان فارسی نماد و نماینده هویت ملی و فرهنگی ماست و ادبیات فارسی آئینه فرهنگ و این واحدهای درسی اندیشه ایران اسلامی از گذشته تاکنون، در نتیجه آموزش ادبیات و زبان فارسی پل پیوند با هویت و فرهنگ اسلامی-ایرانی است. جز این، همه دروس نیازمند زبان و ادبیات فارسی هستند و آموزش، بدون آن امکان پذیر نیست. محتوای ادبیات فارسی نیز به تربیت معنوی، تلطیف روح و احساسات و انتقال فضایل الهی و انسانی کمک می کند.

در ساختار این ماده درسی دو قلمرو زبان و ادبیات در عین پیوستگی، جدا و مجزا از هم مطرح شده اند.

کارکرد زبان، ایجاد پیوند و رساندن پیام است. در نتیجه زبان قبل از هر چیز یک پدیده اجتماعی است که در هیئت سامان مند، پویا و زنده رسالت انتقال مفاهیم را به عهده دارد. به دیگر زبان می توان گفت: زبان هر قوم روح آنان و روح آنان زبانشان است. ادبیات نیز نوعی زبان است؛ اما زبان برتر که به انتقال هنرمندانه اندیشه و فرهنگ می پردازد. در تحلیلی کوتاه می توان گفت: «رسالت زبان، چه گفتن و رسالت ادبیات، چگونه گفتن است». در زبان اصل بر پیام رسانی است؛ پس تلاش بر سادگی، رسایی و کوتاهی واژگان است؛ اما در ادبیات، بیان احساس، عاطفه و خیال و در یک کلام، زیبا سخن گفتن هدف است.

به همین روی زبان و ادبیات پیوندی ناگسستنی دارند. زبان ابزاری است در خدمت ادبیات و ادبیات جریانی است در خدمت زبان و بارورکننده آن. پویایی زبان، زایش واژگان و ترکیب های نو، ره آورد ذهن خلاق و خیال پرداز ادبیات است. با این توضیحات دو مقوله زبان و ادبیات از نظر گاه منطق آموزشی یکسان نیستند. زبان را با نگرشی منطقی، علمی و خردباورانه باید بررسی و تدریس کرد و ادبیات را با نگرشی هنری و ذوقی. در درس زبان، تعلیم صورت می گیرد ولی ادبیات برانگیزش و تلطیف عواطف و بالایش درون استوار است.

نیازها و ضرورت های طراحی برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی

۱- تغییر در سیاست ها و نگرش های آموزشی و برنامه ریزی: نظام آموزشی باید دانش آموزان را به خودباوری و خودشکوفایی برساند. باید دانش آموز توانمندی های خود را کشف و استخراج کند تا در آینده در مشکلات پیش رو، بتواند موفق شود. از این گذشته، ظرفیت های علمی و توانایی های

منطقه‌ای معمولاً در نظام آموزشی ما فرصت، جایگاه و امکان بروز نمی‌یابند. معرفی زبان، فرهنگ و ادبیات مناطق به طور دقیق و سنجیده، به دلیل ظرفیت اندک کتاب درسی تاکنون مجال طرح نیافته است. در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی به این موضوع به خوبی توجه شده است و درس‌های آزاد، مجال و فرصتی ساخته‌اند تا دانش‌آموزان بتوانند ناگفته‌های کتاب درسی را که دوست داشتند، در کتاب درسی بیابند و خود با هدایت معلم تهیه و تولید کنند. این دیدگاه آموزشی باید در کتاب‌های فارسی متوسطه استمرار یابد و کتاب‌ها آینه‌ای باشند که دانش‌آموزان خود را در آن بیابند. توجه به فرهنگ بومی و قومی ایران و تأمل و درنگ دانش‌آموزان در زبان و ادبیات منطقه‌ای خود از دستاوردهای این دیدگاه نوین خواهد بود.

۲- تغییر رویکردهای آموزشی زبان فارسی در ابتدایی و لزوم تداوم آنها در دوره متوسطه: در برنامه جدید آموزش زبان فارسی، محتوای دروس، فعالیت‌ها و تمرین‌ها، حتی نحوه مدیریت کلاس و درس مبتنی بر همیاری، مشارکت و فعال بودن دانش‌آموزان است. در تمرین‌هایی چون «کار گروهی» این مهم انجام می‌گیرد حتی چینش کلاس‌ها متناسب با این رویکرد است. به طور طبیعی انتظار می‌رود در امتداد و استمرار برنامه آموزش زبان فارسی دوره ابتدایی، این مهم در دوره اول متوسطه نیز تحقق یابد.

با توجه به اینکه در گذشته تکیه اصلی آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی، بر مهارت‌های خواننداری و نوشتاری بوده و دو مهارت شنیداری و گفتاری به فراموشی سپرده شده بود، سعی خواهد شد این دو مهارت مهم که لازمه تقویت مهارت خواننداری و نوشتاری هستند، در برنامه جدید، جایگاهی ویژه و روشن داشته باشند. لذا لازم است در امتداد و استمرار دوره ابتدایی، در دوره متوسطه نیز به این مهارت پرداخته شود. تقویت دو مهارت اساسی تفکر و نقد نیز جزء برنامه فارسی متوسطه است.

۳- ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی و پژوهش: در برنامه جدید زبان‌آموزی ابتدایی به کتاب‌خوانی توجه ویژه شده است و یک ساعت از برنامه هفتگی آموزش فارسی به کتاب‌خوانی اختصاص یافته است. در پایان هر کتاب، کتاب‌های مناسب معرفی شده است که معلم متناسب با ۱۷ درس، ۱۷ جلد از آنها را در کلاس می‌خواند و بقیه در فرصت‌های دیگر توسط دانش‌آموز خوانده می‌شوند. این نیاز باید در کتاب‌های فارسی دوره اول متوسطه نیز برآورده شود و فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و پژوهش در متن برنامه دیده شود.

رویکردهای حاکم بر برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی اول متوسطه

رویکرد عبارت است از جهت‌گیری اساسی نسبت به یاددهی و یادگیری و ابعاد گوناگون آن در حوزه برنامه‌ریزی درسی. بر این اساس با در نظر گرفتن رویکرد عام حاکم بر برنامه‌های درسی ایران، یعنی رویکرد فرهنگی-تربیتی و رویکرد خاص حاکم بر آموزش زبان فارسی، یعنی رویکرد ترکیبی، در آموزش زبان فارسی رویکردهای متنوع و گوناگونی از قبیل رویکرد کلی، رویکرد تحلیلی، رویکرد تلفیقی، رویکرد تجربه‌زبانی، رویکرد زبان شناختی و ... وجود دارد. در این برنامه، شورای برنامه‌ریزی پس از بحث و گفت‌وگوهای فراوان و مشاوره با متخصصان، روان‌شناسان زبان، زبان‌شناسی، روان‌شناسی یادگیری و برنامه‌ریزی درسی، رویکردهای دیگری را نیز برای هر کدام از بخش‌های برنامه آموزش زبان فارسی انتخاب کرده است.

در برنامه درسی فارسی اول متوسطه رویکردها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- رویکردهای عام

۲- رویکردهای ویژه

۱- رویکردهای عام: رویکردهای عام، به رویکردهایی اطلاق می‌شود که دایره شمول آنها به

دیگر دروس نیز می‌رسد. در برنامه درسی فارسی اول متوسطه این رویکردها عبارت‌اند از:

رویکرد پیکره‌ای (کلی): بر اساس بنیاد روان‌شناختی این رویکرد (روان‌شناسی گشتالت) انسان هنگام برخورد با امور و پدیده‌ها ابتدا به پیکره یا کل آنها توجه می‌کند و پس از آن به اجزای سازنده کل می‌پردازد. به همین جهت در برنامه‌های درسی و مراحل یاددهی-یادگیری نیز باید نخست اشکال و صورت‌های کل را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، سپس با استفاده از شیوه تجزیه کل به عناصر سازنده، اجزای آن را معرفی کنیم، مثلاً به جای آنکه دانش‌آموز شعری را بیت بیت حفظ کند، باید کل شعر را چند بار بخواند و پس از دریافت مفهوم و پیام کلی آن، شعر مورد نظر را حفظ نماید و آن را از منظرهای مختلف زبان ادبی و معنایی بررسی و تحلیل کند.

رویکرد فعالیت محوری: در این رویکرد به طبیعت فرد و نیازها و خواسته‌های او تأکید

می‌شود. دانش‌آموز، زیربنای فرایند یادگیری است و در تمامی فعالیت‌های یاددهی-یادگیری شرکت می‌کند. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از ماهیت زبان و ادبیات فارسی، مهارتی است و از طریق این مهارت‌ها به جنبه‌های درونی و برونی فرد پرداخته می‌شود، در طراحی برنامه درسی فارسی اول متوسطه، به جنبه‌های مختلف دانش‌آموز دوره متوسطه باید توجه کافی شود و متناسب با آن عناصر محتوا و فعالیت‌های یادگیری سازماندهی گردد.

رویکرد تلفیقی : امروزه اکثر برنامه‌های درسی به نحوی طراحى و اجرا می‌شوند که در روح آنها تلفیقی از رویکردها انعکاس یافته است. از آنجا که درس زبان و ادبیات فارسی ماهیتاً تلفیقی و درهم تنیده است، سعی شده است راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری به نحوی تلفیق و ارائه شود که در نهایت توانایی‌های ذهنی، درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب و بازسازی، نقد و داوری، برقراری ارتباط با دیگران، ابراز وجود و بیان احساسات، قدرت خلاقیت و ... تقویت شود. یکی از آثار با ارزش رویکرد تلفیقی تأکید بر آموزش مداوم است که این موضوع از طریق گسترش فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در این برنامه قابل تحقق خواهد بود. این رویکرد در حوزه‌های زیر انعکاس خواهد داشت :

۱- تلفیق مهارت‌های شفاهی زبان (گوش دادن، گفتن، خواندن، مطالعه و پژوهش) و کتبی (رونویسی، املا، نگارش و انشا)

۲- تلفیق مهارت‌های ادبیات فارسی

۳- تلفیق اطلاعات و دانش‌های زبانی و ادبی

۴- تلفیق نظام زبانی (آوا، معنا، دستور زبان)

۵- تلفیق ارزش‌های (اخلاقی، اعتقادی، ملی، فرهنگی و ...)

۶- تلفیق زبان و ادبیات فارسی با سایر دروس

رویکردهای خاص (ویژه) : رویکردهای ویژه به رویکردهایی گفته می‌شود که فقط در حوزه این ماده درسی مطرح است و دایره شمول آن محدود به این برنامه است. براساس رویکردهای ویژه به موضوعات درسی مانند موضوع زبان و ادبیات فارسی و ساختار این رشته اهمیت داده می‌شود. مهارت‌های زبانی، فرایند تفکر، خلاقیت زبانی، متون ادبی، آرایه‌های ادبی، قالب‌های شعری، تاریخ ادبیات، نقد ادبی و ... ساختار رشته درسی زبان و ادبیات را تشکیل می‌دهند. برنامه درسی با جهت‌گیری خاص نسبت به این ساختار تلاش می‌کند، فرایند یاددهی و یادگیری را به دانش‌آموزان انتقال دهد. این رویکردها عبارت است از :

۱-۲- رویکرد ساختاری : در این رویکرد، زبان و ادبیات، نظامی از عناصر و مؤلفه‌های مرتبط به هم است که برای رمزگردانی معانی به کار می‌رود. هدف از یاددهی و یادگیری، تسلط پیدا کردن بر عناصر این نظام است که معمولاً در حوزه‌های آواشناسی، واحدهای دستوری و واژگانی قرار می‌گیرد. براساس این دیدگاه و رویکرد، برنامه زبان و ادبیات باید به گونه‌ای باشد که در نهایت دانش‌آموز به بررسی ساختارهای تشکیل دهنده زبانی و ادبی آگاهی پیدا کند و از طریق مهارت و معرفت به آنها به معانی موجود در زبان و ادبیات پی‌ببرد. در قلمرو آموزش دانش‌های زبانی به ویژه دستور زبان، می‌توان از این رویکرد بهره گرفت.

رویکرد کاربردی / گستاری: در این رویکرد، زبان و ادبیات وسیله و ابزاری برای شناخت، بیان معانی مختلف و تحول در کاربرد آن است و به جای توجه ویژه به ساختار و عناصر زبانی (روساخت)، به بعد کاربردی و معنایی و شناختی (ژرف ساخت) زبان و ادبیات تأکید می‌شود و از عناصر زبان و ادبیات فقط در حدی سود جسته می‌شود که معنا و کاربرد زبان تسهیل یابد و محتوای برنامه بر اساس معنا و گشتار (تبدیل ژرف ساخت به روساخت) سازماندهی گردد. مثلاً برای آموزش خواندن، درک مطلب، انشا و املا این رویکرد کارایی و نقش بهتری دارد.

رویکرد ارتباطی: در این رویکرد، زبان و ادبیات وسیله‌ای برای فهم و روابط متقابل افراد و برقراری روابط اجتماعی بین افراد تلقی می‌شود. به جای توانش زبانی و ادبی به توانش ارتباطی اهمیت داده می‌شود. به درک مطلب بیشتر از تولید زبان و ادبیات تأکید می‌شود و در نتیجه امکان تماس دانش آموز با زبان و ادبیات واقعی بیشتر می‌شود و تعامل بین افراد و گروه‌ها افزایش می‌یابد. مهم‌ترین نکته در این دیدگاه و رویکرد این است که آموزه‌ها و رهیافت‌های آن به گونه‌ای است که هم رویکرد ساختاری را در بر می‌گیرد و هم رویکرد کاربردی / گستاری را. شاید بتوان رویکرد ارتباطی را به عنوان یک رویکرد کاملاً تلفیقی (تلفیق درون برنامه‌ای) در حوزه زبان و ادبیات تلقی کرد که در این صورت از این طریق می‌توان بسیاری از نیازهای موضوع درسی، دانش آموز و جامعه را تحت پوشش قرار داد.

اصول حاکم بر راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی دوره اول متوسطه

اصل، به مجموعه ابیدها و نبایدهایی گفته می‌شود که لازم است در کلیه مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی مورد توجه قرار بگیرد و همه عناصر سازه‌ای برنامه، بر بنیاد آن استوار باشند. هر یک از اصول، همراه راهکارهای ویژه، تبیین شده‌اند تا مصادیق و حوزه‌های کاربردی هر یک برای کاربران این برنامه به روشی مناسب بازگو شده باشد.

اصل ۱- در کلیه عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی آموزش زبان فارسی باید مبانی فرهنگی و آموزه‌های تربیتی حاکم باشد.

راهکارها

- تدوین و سازمان‌دهی برنامه درسی براساس رویکرد فرهنگی – تربیتی
 - پیش‌بینی و انتخاب مفاهیم مرتبط با اصل فرهنگی – تربیتی
 - در نظر گرفتن فصل‌هایی مناسب برای تحقق رویکرد فرهنگی – تربیتی در محتوا
 - طراحی فعالیت‌های مناسب برای تحقق این اصل در محتوا
- اصل ۲-** در برنامه فارسی دوره اول متوسطه اصل بر جنبه‌های کاربردی و مهارتی زبان و ادبیات باشد.

راهکارها

- تدوین کتاب براساس روش فعالیت محوری
 - تولید کتاب فارسی با توجه به مهارت‌های شفاهی و کتبی زبان و ادبیات فارسی
 - در نظر گرفتن تمرین‌ها و فعالیت‌های مشابه عملی و کاربردی در کتاب راهنمای معلم
 - در نظر گرفتن فعالیت‌های تکمیلی در کتاب روش تدریس
- اصل ۳-** زبان و بیان کتاب‌های فارسی و مواد کمک آموزشی آن ساده و صمیمی و متناسب با ذهن و زبان دانش‌آموزان باشد.

راهکارها

- بهره‌گیری از زبان مناسب نوجوان در نوشتن متن‌ها
- استفاده از اصول و مبانی ساده‌نویسی در نوشتن متن‌ها
- تهیه متن‌های ساده ادبی از گذشته و امروز

اصل ۴- به گسترش حوزه‌های زبان فارسی (آواشناسی، معناشناسی و دستور) توجه کافی شود.

راهکارها

- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه آواشناسی (آواشناسی مقدماتی)
- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه معناشناسی
- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه دستور

اصل ۵- سیر آموزش زبان و ادبیات فارسی از ساده به تکامل یافته و از زبان طبیعی به زبان معیار باشد.

راهکارها

- تسلسل منطقی و تداوم محتوا به تناسب پایه‌ها از زبان به ادبیات
 - حرکت از زبان امروزی و طبیعی به زبان تاریخی و کهن
 - ادامه منطقی مباحث زبانی، ادبی، نگارشی و املائی دوره ابتدایی
 - آموزش نکته‌های زبانی، دستوری، املائی، نگارشی و ادبی براساس بسامد، تکرار و ضرورت
- اصل ۶-** در برنامه به تازه‌ترین یافته‌ها و نظریه‌های حوزه زبان شناسی و ادبیات نوجوانان

توجه شود.

راهکارها

- توجه به تمامی مهارت‌های زبانی در کتاب
 - رعایت رویکردهای نوین در تمامی مراحل انتخاب و سازمان‌دهی محتوا
 - بهره‌گیری از اصول یادگیری نظریه‌های شناختی، فراشناختی و تفکر خلاق
 - ترجیح بُعد توصیفی دستور زبان بر بُعد تجویزی
 - مطالعات راهبردی و تطبیقی در جهت یافتن مناسب‌ترین نظریات در حوزه زبان و ادبیات
- اصل ۷-** به انواع خط‌های (خوانداری و نوشتاری و هنری) توجه کافی شود.

راهکارها

- استفاده از انواع خطوط رایج، هنری (سنتی و جدید)
 - ادامه روند بهینه‌سازی و خوانانویسی
 - ایجاد زمینه‌های عملی و لازم جهت زیباسازی خط
- اصل ۸-** رسم الخط براساس آخرین مصوبات شیوه‌نامه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزشی باشد.

راهکارها

- نظارت گروه ویرایش بر رسم الخط
 - هماهنگ شدن رسم الخط کتاب‌های فارسی
 - هماهنگ شدن سایر کتاب‌های درسی، مجلات رشد و کتاب‌های کمک آموزشی با شیوه‌نامه مصوب سازمان و فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- اصل ۹-** برنامه باید زمینه‌ساز تقویت مهارت‌های زندگی در نوجوانان باشد.

راهکارها

- آشنا کردن دانش‌آموز با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی
 - گسترش و پراکندگی نمونه‌های اساسی مهارت‌های زندگی در سراسر کتاب
 - بهره‌گیری از متون زبانی و ادبی در جهت پرورش و تقویت مهارت‌های زندگی
 - بهره‌گیری از ادبیات کهن برای بهتر زیستن در امروز و آینده
- اصل ۱۰-** برنامه باید زمینه‌ساز تقویت روحیه مطالعه و کتاب‌خوانی باشد.

راهکارها

- پیش‌بینی بخش کتاب‌خوانی
 - طرح مباحث شیوه‌های مطالعه مطلوب
 - پیش‌بینی ساعت مطالعه و کتاب‌خوانی
 - تجهیز کتابخانه مدارس متناسب با اهداف برنامه
 - جذب و جلب مشارکت نهادهای فرهنگی برای تحقق اهداف مطالعه و کتاب‌خوانی
- اصل ۱۱-** آموزش نکات زبانی، اخلاقی، ارزشی و شناختی به شکل غیرمستقیم باشد.

راهکارها

- آموزش مفاهیم و نکات از طریق روش‌های فعال
 - انتخاب قالب قصه، افسانه، داستان و شعر برای آموزش
 - بهره‌گیری از فیلم، نوار صوتی، CD و سایر فناوری‌های آموزشی
 - استفاده از ابزار کمک آموزشی مثل مجله، روزنامه، کتاب کمک درسی و ...
 - بهره‌گیری از بازدیدهای علمی و تفریحی
- اصل ۱۲-** برنامه باید زمینه‌ساز تقویت و پرورش خلاقیت، ذوق ادبی و روحیه پژوهشگری

نوجوان باشد.

راهکارها

- پیش‌بینی محتوا بر اساس الگوهای خلاق و فعال
 - پیش‌بینی تمرین‌هایی در کتاب به منظور تقویت قوه خلاقیت و ذوق هنری
 - طراحی تمرین‌هایی برای تقویت روح جست‌وجوگری، کشف و حل مسئله
 - پیش‌بینی و طراحی مواد آموزشی، کمک آموزشی و فناوری آموزشی با جهت‌گیری اصل یادشده
 - بهره‌گیری از گونه‌های متنوع هنری و ادبی با تأکید بر جنبه‌های زیباشناسی، حسی و عاطفی
 - استفاده از شعرخوانی، قصه‌خوانی، قصه‌گویی، نقالی، قصه‌سازی، نمایش خلاق
 - بهره‌گیری از شیوه‌های خلاق نوشتن و سرودن
- اصل ۱۳-** برنامه باید زمینه‌ساز رفتارهای اخلاقی، اجتماعی و تربیتی مناسب در نوجوانان باشد.

راهکارها

- طرح الگوهای متعالی دینی، ملی و جهانی
- مقاوم‌سازی نوجوانان در برابر آسیب‌های اجتماعی از طریق انتخاب متون و فعالیت‌های مناسب
- بهره‌گیری از امکانات تصویری که گویای اهداف تعیین شده باشد.
- توزیع مفاهیمی چون مشارکت و همیاری، آینده‌نگری، خودشکوفایی، انتقادپذیری، دوست‌یابی، همدردی با دیگران، کمک به هم‌نوع، اعتماد به نفس، گذشت و فداکاری، خودباوری، مسئولیت‌پذیری و واقع‌بینی در محتوای برنامه

اصل ۱۴- به نقش سازنده زن و مرد به طور مناسب و متناسب در برنامه توجه شود.

راهکارها

- معرفی چهره‌های بزرگ زن و مرد در محتوای برنامه
 - بهره‌گیری از آثار چهره‌های بزرگ زن و مرد
 - توزیع متناسب تصاویر زن، مرد، دختر و پسر در تمام کتاب
 - بهره‌گیری از نویسندگان، شاعران و معلمان زن و مرد در تهیه برنامه
- اصل ۱۵-** به فرهنگ عمومی و ملی در کنار فرهنگ منطقه‌ای و بومی توجه کافی شود.

راهکارها

- استفاده از زبان فارسی معیار

- معرفی فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای با تکیه بر فرهنگ ملی
 - ارائه تمرین‌هایی برای آشناسازی دانش‌آموزان با زبان و ادبیات و فرهنگ منطقه‌ای و محلی
 - توجه به فرهنگ عمومی و ملی در کنار فرهنگ منطقه‌ای و بومی
- اصل ۱۶-** در برنامه به دانش‌های بشری در تعامل با زبان و ادبیات، توجه کافی شود.

راهکارها

- در نظر گرفتن مباحثی پیرامون دانش‌های بشری و دانشمندان مرتبط با دانش ادبی
 - ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌هایی در این زمینه
 - بهره‌گیری از فناوری آموزشی در جهت تقویت و تعمیق مفاهیم این اصل
 - بهره‌گیری از نمونه‌هایی که نشان دهنده تعامل دانش و ادبیات باشد
- اصل ۱۷-** به تقویت و تعمیق حافظه شنیداری و دیداری توجه کافی شود.

راهکارها

- بهره‌گیری از تمرین‌های مناسب مانند مقایسه، خاطره‌گویی، شعرخوانی و حفظ شعر مورد علاقه
 - تولید مواد کمک آموزشی مناسب
- اصل ۱۸-** برنامه باید زمینه‌ساز ابراز وجود و بیان احساس دانش‌آموزان باشد.

راهکارها

- پیش‌بینی درس‌هایی از زبان دانش‌آموز، برای طرح دیدگاه‌ها، عقاید و احساسات
 - پیش‌بینی فرصت‌هایی در کلاس، کتاب و راهنمای معلم
 - پیش‌بینی فعالیت‌هایی مانند بازی، نمایش، کارگروهی، روزنامه دیواری برای تحقق این هدف
 - پیش‌بینی تمرین‌هایی برای نقد و اظهار نظر درباره فیلم و ...
- اصل ۱۹-** مواد برنامه باید با علایق، سلیقه‌ها و نیازهای دانش‌آموز همسویی داشته باشد.

راهکارها

- انتخاب متون و داستان‌های جذاب و پرکشش
- توجه کافی و لازم به دنیای نوجوان در کتاب درسی و مواد کمک آموزشی
- توجه به هماهنگی تصاویر با دنیای ذهنی نوجوان
- بهره‌گیری از الگوها، قهرمانان، اسطوره‌ها و شخصیت‌های محبوب نوجوان
- توجه به اصول روان‌شناسی نوجوان در تنظیم و سازماندهی محتوا

اصل ۲۰- مواد برنامه متنوع باشد.

راهکارها

- بهره‌گیری از تمرین‌های تنوع‌زبانی، نگارشی، املایی و ...
- گنج‌اندیدن بخش‌های کوتاه و متنوع در دروس
- فصل‌بندی کتاب برای تنوع‌بخشی به کتاب
- استفاده از تمامی امکانات فنی و هنری، فناوری آموزشی و کمک آموزشی
- ارائه فعالیت‌های گوناگون برای استفاده در کلاس از طریق راهنمای معلم، کتاب‌های روش

تدریس و ...

اصل ۲۱- ارزشیابی از محتوا باید منطبق با مصوبات و آخرین یافته‌های حوزه سنجش و

اندازه‌گیری باشد.

راهکارها

- اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی، کتاب درسی، راهنمای معلم، مواد آموزشی و فناوری آموزشی
- پیش‌بینی برگه‌های سیاهه رفتار دانش‌آموز و معلم در مهارت‌های زبانی و ادبی
- ارزشیابی از تمام عناصر برنامه درسی

اصل ۲۲- از امکانات تصویری، گرافیکی، فنی و ... برای تعمیق، تثبیت و گسترش مفاهیم

استفاده شود.

راهکارها

- بهره‌گیری از همکاران هنرمند صاحب سبک
- امتزاج همخوانی و نقش تکمیلی تصاویر نسبت به متن

اصل ۲۳- از ادبیات دیگر ملل در کنار ادبیات فارسی همسو با رویکرد فرهنگی تربیتی

استفاده شود.

راهکارها

- بهره‌گیری از نمونه‌های برجسته ادبیات جهان
- بهره‌گیری از ترجمه‌های موفق و مترجمان معتبر
- بهره‌گیری متعادل از ادبیات کشورهای گوناگون (آسیا، افریقا، آمریکای لاتین و ...)

ارتباط این برنامه با برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی ابتدایی

همان گونه که در مقدمه گفته شد، این برنامه در تکمیل سیر منطقی طراحی و تولید برنامه درسی فارسی ابتدایی، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شده است. از این رو، در بسیاری از مؤلفه‌های برنامه درسی از قبیل اصول، رویکردها، اهداف و روش‌ها، این برنامه ادامه دوره ابتدایی است و سعی شده است از دید درجه‌بندی سطوح یادگیری، تعمیق و تثبیت بیشتری پیدا کند.

ساختار فصل‌بندی محتوا و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری کتاب درسی نیز در ادامه منطقی دوره ابتدایی طراحی شده است. از آنجا که در دوره متوسطه سهم ادبیات به نسبت زبان، بیشتر از دوره ابتدایی است، در مفاهیم و موضوعات محتوا ضمن حفظ آموزه‌های دوره ابتدایی، باید مطالب تازه‌تری به فراخور نیازها و علائق و شرایط سنی دانش‌آموزان این دوره مبتنی بر آموزه‌های متعالی، معنوی و فرهنگی تربیتی ارائه گردد.

از سوی دیگر، برنامه درسی فارسی اول متوسطه در مؤلفه‌های اصول، اهداف و شیوه‌های تدریس با برنامه درسی فارسی دوره دوم متوسطه نیز هماهنگی و همخوانی دارد، مثلاً در مفاهیم و موضوع‌های مربوط به دانش‌های زبانی و ادبی تا جایی که گنجایی و ظرفیت برنامه اجازه می‌دهد، باید تلاش شود ضمن توجه به مطالب دوره ابتدایی به مباحث و سرفصل‌های دوره دوم متوسطه هم توجه شود تا دانش‌آموز پیش‌نیاز مطالب دوره دوم متوسطه را در دوره اول متوسطه فرا بگیرد.

در بخش رویکردهای ویژه «رویکرد ساختاری» در آموزش دستور زبان فارسی نیز کوشش شده است، برنامه دوره اول متوسطه با دوره دوم متوسطه، همسویی بیشتری داشته باشد. بنابراین انتظار می‌رود در سازماندهی و تألیف محتوای کتاب درسی به این تناسب، انسجام حلقه‌های ارتباطی و ساختار پیوستاری مبانی آموزشی توجه ویژه صورت گیرد.

اهداف راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی دوره اول متوسطه

نهم	هشتم	هفتم	پایه‌ها
			اهداف بر پایه پنج عنصر برنامه درسی ملی
*	*	*	تفکر و تعقل
			استدلال منطقی در مهارت‌های خواننداری
*	*	*	استدلال منطقی در مهارت‌های نوشتاری
*	*	*	توانایی درک معنای متون زبانی و ادبی
*	*	*	شناخت تضادها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها
*	*	*	مقایسه نوشته‌ها، استخراج پیام‌ها و نکات کلیدی
*	*	*	تفکر در مورد شنیده‌ها، خواننده‌ها و نوشته‌ها
*	*	*	نقد و تحلیل مطالب و مسائل
*	*	*	آفرینش تصاویر ذهنی و خیالی درباره امور و پدیده‌های زبانی و ادبی
*	*	*	ایمان، باور و علایق
			باور و ایمان به مفاهیم دینی، تربیتی، اخلاقی و فرهنگی
*	*	*	نگرش مثبت به ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی
*	*	*	علاقه به تحقیق، پژوهش و مطالعه در آثار نظم و نثر ایران و جهان
*	*	*	توجه به جنبه‌های زیبایی شناختی آثار نظم و نثر فارسی
*	*	*	علاقه به زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی
*	*	*	علم
			آشنایی با مفاهیم و موضوعات دینی، ارزشی، انقلابی و اخلاقی
*	*	*	آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر جهان و چهره‌های بزرگ ادبی و فرهنگی معاصر ایران و جهان
*	*	*	آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر چهره‌های ادبی بومی و محلی
*	*	*	آشنایی با واژگان متون زبانی و ادبی دوره معاصر
*	*	*	آشنایی با ساختارهای نحوی زبان فارسی معیار
*	*	*	آشنایی با شیوه‌ها و ابزارهای آفرینش زیبایی سخن
*	*	*	آشنایی با قالب‌های مختلف نوشتاری
*	*	*	عمل (مهارت‌های عملی) مهارت نگاه کردن (مشاهده)
			تشخیص نمادهای خطی و دیداری زبان فارسی
*	*	*	تمرکز در خوب نگاه کردن به امور و پدیده‌ها
*	*	*	تمرکز دیداری بر متون زبان و درک معانی

*	*	*	نگاه انتقادی به دیده‌ها و نوشته‌ها
*	*	*	مهارت گوش دادن
*	*	*	توجه به پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی
*	*	*	دقت و تمرکز در سخن گوینده و تشخیص آهنگ کلام
*	*	*	عادت به درست گوش دادن و دریافت پیام
*	*	*	درک شنیداری انسجام متن
*	*	*	توانایی درک پیام دیگران
*	*	*	توانایی در بررسی شنیده‌ها
*	*	*	تشخیص انواع ساخت واژه در زبان فارسی
*	*	*	توانایی نقد و تحلیل گفته‌ها و شنیده‌ها
هفتم	هشتم	نهم	مهارت سخن گفتن
*	*	*	توانایی سخن گفتن مؤثر، مناسب و روان در برابر جمع با تأکید بر فن بیان
*	*	*	توانایی غلبه بر کم‌رویی و پیدا کردن اعتماد به نفس
*	*	*	توانایی در به کار بردن زبان فارسی معیار در گفتار
*	*	*	توانایی در طرح افکار و اندیشه‌های خود در قالب گفتار
*	*	*	رعایت پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی معیار
*	*	*	مهارت‌های خواندن
*	*	*	توانایی خواندن متون نظم و نثر همراه با درک معنا
*	*	*	روان خوانی گونه‌های مختلف متون زبانی و ادبی
*	*	*	به کارگیری رفتارهای مطلوب در خواندن
*	*	*	رعایت سرعت و لحن مناسب در خواندن متون
*	*	*	مشارکت فعال در بحث و گفت‌وگو و همکاری با دیگران
*	*	*	توانایی به کارگیری کارافزارهای خواندن
*	*	*	مهارت‌های نوشتن
*	*	*	توانایی تبدیل نمادهای صوتی به نوشتاری (املا)
*	*	*	توانایی تبدیل دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌ها به نوشته (نگارش)
*	*	*	توانایی درست، خوانا و زیبانویسی
*	*	*	رعایت نشانه‌گذاری‌ها در متن
*	*	*	توانایی نوشتن خلاق و بدیع (انشا)
*	*	*	رعایت رفتارهای مناسب به هنگام نوشتن
*	*	*	توانایی نوشتن متن‌های ساده
*	*	*	استفاده از آرایه‌های ادبی در نوشتن

**اهداف راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی در دوره اول متوسطه
بر پایه عناصر پنجگانه برنامه درسی ملی**

عنصر تفکر و تعقل

- استدلال منطقی در مهارت‌های خوانداری
- استدلال منطقی در مهارت‌های نوشتاری
- توانایی درک معنای متون زبانی و ادبی
- شناخت تضادها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها
- مقایسه نوشته‌ها، استخراج پیام‌ها و نکات کلیدی
- تفکر در مورد شنیده‌ها، خوانده‌ها و نوشته‌ها
- نقد و تحلیل مطالب و مسائل
- آفرینش تصاویر ذهنی و خیالی درباره امور و پدیده‌های زبانی و ادبی

عنصر ایمان، باور و علائق

- باور و ایمان به مفاهیم دینی، تربیتی، اخلاقی و فرهنگی
- نگرش مثبت به ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی
- علاقه به تحقیق، پژوهش و مطالعه در آثار نظم و نثر معاصر ایران و جهان
- توجه به جنبه‌های زیبایی شناختی آثار نظم و نثر فارسی
- علاقه به زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی

عنصر علم

- آشنایی با مفاهیم و موضوعات دینی، ارزشی، انقلابی و اخلاقی
- آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر جهان و چهره‌های بزرگ ادبی و فرهنگی معاصر ایران و جهان
- آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر چهره‌های ادبی بومی و محلی
- آشنایی با واژگان متون زبانی و ادبی دوره معاصر
- آشنایی با ساختارهای نحوی زبان فارسی معیار
- آشنایی با شیوه‌ها و ابزارهای آفرینش زیبایی سخن
- آشنایی با قالب‌های مختلف نوشتاری

عنصر عمل (مهارت‌های عملی)

مهارت نگاه کردن (مشاهده)

- تشخیص نمادهای خطی و دیداری زبان فارسی
- تمرکز در خوب نگاه کردن به امور و پدیده‌ها
- تمرکز دیداری بر متون زبانی و درک معانی
- نگاه انتقادی به دیده‌ها و نوشته‌ها

مهارت گوش دادن

- توجه به پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی
- دقت و تمرکز در سخن گوینده و تشخیص آهنگ کلام
- عادت به درست گوش دادن و دریافت پیام
- درک شنیداری انسجام متن
- توانایی درک پیام دیگران و توانایی در بررسی شنیده‌ها
- تشخیص انواع ساخت واژه در زبان فارسی
- توانایی نقد و تحلیل گفته‌ها و شنیده‌ها

مهارت سخن گفتن

- توانایی سخن گفتن مؤثر، مناسب و روان در برابر جمع با تأکید بر فن بیان
- توانایی غلبه بر کم رویی و پیدا کردن اعتماد به نفس
- توانایی در به کار بردن زبان فارسی معیار در گفتار
- توانایی در طرح افکار و اندیشه‌های خود در قالب گفتار
- توانایی اظهارنظر و بیان منطقی درباره محتوا
- رعایت پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی معیار
- مشارکت فعال در بحث و گفت‌وگو و همکاری با دیگران

مهارت‌های خواندن

- توانایی خواندن متون نظم و نثر همراه با درک معنا
- روان خوانی گونه‌های مختلف متون زبانی و ادبی
- به کارگیری رفتارهای مطلوب در خواندن
- رعایت سرعت و لحن مناسب در خواندن متون

– توانایی به‌کارگیری کارافزارهای خواندن

مهارت‌های نوشتن

– توانایی تبدیل نمادهای صوتی به نوشتاری (املا)

– توانایی تبدیل دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌ها به نوشته (نگارش)

– توانایی درست، خوانا و زیبانویسی

– رعایت نشانه‌گذاری‌ها در متن

– توانایی نوشتن خلاق و بدیع (انشا)

– رعایت رفتارهای مناسب هنگام نوشتن

– توانایی نوشتن متن‌های ساده

– استفاده از آرایه‌های ادبی در نوشتن

عنصر اخلاق

– توجه به ارزش‌های اخلاقی، دینی و انقلابی در مهارت‌های زبانی

– به‌کارگیری الگوهای اخلاقی بزرگان دینی و ملی

– توجه به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی

– رعایت آداب اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی

آشنایی با ساختار کتاب فارسی

برای اجرای نیکوتر این برنامه، توجه شما همکاران ارجمند را به نکات زیر، جلب می‌کنیم:

این کتاب در دو بخش (مهارت‌های خوانداری، مهارت‌های نوشتاری) به آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی می‌پردازد و با کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، از دید برنامه ریزی و سازماندهی محتوایی پیوستگی دارد، به همین روی، لازم است همکاران ارجمند از ساختار و محتوای کتاب‌های دوره پیش، آگاهی داشته باشند.

در بخش مهارت‌های خوانداری به ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی همچون لحن، تکیه، آهنگ و دیگر خرده مهارت‌ها به طور مناسب توجه شود.

— در بخش مهارت‌های نوشتاری، فعالیت‌ها به گونه‌ای طراحی و سازماندهی شده‌اند تا آموزش و یادگیری آموخته‌ها و کاربرد صحیح آنها به درستی محقق شود. توجه به اهداف آموزشی هر یک از تمرین‌ها ضروری است.

— رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین طراحی شیوه‌های آموزشی به کارگیری روش‌های همیاری و گفت و گوی فعال توصیه می‌شود. حضور نشاط‌انگیز و فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی یادگیری، کلاس را سرزنده و فرح بخش و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری عمق و گوارایی می‌بخشد.

— توجه به نقش حواس برونی و بهره‌گیری از آنها در رشد و بالندگی مهارت‌های زبانی بسیار با اهمیت است.

— در آموزش مهارت‌های خوانداری، خرده مهارت‌ها نقش تأثیرگذاری دارند و بر طربناکی فضای کلاس و موضوع درس می‌افزایند.

— فعالیت‌های نوشتاری، تمرین برای تثبیت و تقویت محتوای خوانداری کتاب است. آموزش این دو بخش پا به پای هم صورت می‌گیرد تا مهارت‌های لازم هر دو په‌نه هماهنگ و متناسب با یکدیگر تقویت و پرورده شود.

— از شرح و بیان مطالب اضافی که به انباشت دانش و خستگی ذهنی دانش‌آموزان منجر می‌شود، باید پرهیز کرد. این موضوع به ویژه در نکته‌های زبانی و ادبی، باید به طور جدی، رعایت شود. مباحث دستوری، ادبی و نگارشی در سال‌های آینده، با دقت و تفصیل بیشتری بیان خواهد شد؛ بنابراین به همین اندازه و محدوده کتاب باید بسنده کرد. کاربست آموزه‌ها از گسترش دامنه دانش، ارجمندتر است.

— از فعالیت‌های بخش کارگروهی که مربوط به قلمرو مهارت‌های گفتاری زبان است، تنها دو مورد به دلخواه از سوی گروه‌های دانش‌آموزی، پاسخ داده شود و از نوشتن در این بخش خودداری گردد تا فرصت پرورش توانایی سخن‌گویی و تقویت فن بیان فراهم آید.

— فصل ادبیات بومی با درس‌های آزاد، فرصت بسیار مناسب برای مشارکت دانش‌آموزان عزیز و دبیران گرامی در تألیف بخشی از کتاب است. پیشنهاد می‌شود برای تولید محتوای درس آزاد به موضوع‌های متناسب با عنوان فصل، در قلمرو فرهنگ و ادبیات بومی و آداب محلی، نیازهای ویژه نوجوانان و دیگر ناگفته‌های کتاب توجه شود.

— همه فعالیت‌های نوشتاری باید در دفتر پاسخ داده شوند. انجام فعالیت‌های نوشتاری در کلاس به صورت گروهی به پرورش تفکر دانش‌آموزان کمک می‌کند.

— دانش‌های زبانی و ادبی، برگرفته از متن درس است و پیوستگی زیادی با ساختار زبانی درس دارد. آموزش این نکات به درک و فهم متن، کمک می‌کند. بنابراین متن محوری در این بخش از اصول مورد تأکید است.

— روان‌خوانی‌ها، شعرخوانی‌ها و حکایات باید با هدف پرورش مهارت‌های خوانداری، ایجاد نشاط و طراوت ذهنی، آشنایی با متون مختلف و مهم تر از همه، پرورش فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی و شکوفایی تفکر، در ساختار فارسی گنجانده شده‌اند. در پایان همه روان‌خوانی‌ها بخش درک و دریافت با دو پرسش واگرا، تدوین شده است. این پرسش‌ها برای تقویت سواد خواندن، توانایی درک و فهم و پرورش روحیه نقد و تحلیل متون، تنظیم شده است.

— همه عناصر ساختاری و محتوایی کتاب فارسی، بر بنیان اصول علم برنامه‌ریزی درسی به صورت یکپارچه و درهم تنیده سازماندهی شده است. از این رو، آموزش این کتاب می‌باید با همه ساعات آموزشی این برنامه به یک دبیر، واگذار گردد و برنامه‌ریزان محترم آموزشی مدارس نیز لازم است به این اصل پایبند باشند و از تفکیک ساعات آموزشی و موارد درسی (نگارش، فارسی و املا) و تقسیم آن میان چند دبیر به ویژه دبیران غیرمتخصص جداً خودداری کنند. در سال‌های گذشته، یکی از آسیب‌های جدی این درس، کم‌توجهی به همین موضوع بوده است.

— شیوه ارزشیابی از این برنامه همان است که در سال‌های اخیر به کار گرفته می‌شد. البته بر جنبه‌های کاربردی مهارت‌های زبانی در هر دو بهنه مهارتی تأکید بیشتری داریم.

ساختار کتاب‌های فارسی دورهٔ اول متوسطه

۱- ساختار فصول

* ستایش - فصل اول: زیبایی آفرینش، فصل دوم: شکفتن، فصل آزاد: ادبیات بومی (۱)، فصل سوم: سبک زندگی، فصل چهارم: نام‌ها و یادها، فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی، فصل آزاد: ادبیات بومی (۲)، فصل ششم: ادبیات جهان، نیایش

۲- ساختار هر درس

الف) مهارت‌های خوانداری

متن درس تصویر خودارزیابی - دانش‌های زبانی و ادبی کارگروهی

۱- درس‌ها به دوروش مستقیم و غیرمستقیم ارائه شده‌اند.

الف) مستقیم: ارائهٔ اطلاعات از سوی دانای کل

ب) غیرمستقیم: به کمک قالب‌هایی چون: داستان، خاطره، حسب حال و ...

۲- فعالیت‌ها

خودارزیابی

پرسش‌هایی از متن درس در سه سطح «همگرا، واگرا و بینابین» طرح شده است.

دانش زبانی و ادبی

در این بخش، واژه‌سازی، نکات املائی، دستوری، نگارشی و موضوع‌های ادبی برآمده از دل درس آموزش داده می‌شود.

کارگروهی

مهارت شفاهی: مهارت‌های زبانی مبتنی بر دانش‌های زبانی و ادبی

نقد و تحلیل: توانایی اظهارنظر دربارهٔ شخصیت‌های یک داستان، کاربرد واژگان یک نوشته،

زیبایی‌های یک سخن، پیام‌های یک متن

فعالیت ویژه: قصه‌گویی، کتاب‌خوانی، شعرخوانی، نمایش، نقالی و قصه‌سازی

ب) مهارت‌های نوشتاری

این بخش در هر درس حدوداً شامل چهار تمرین نوشتاری است. چنین فعالیت‌ها از ساده به دشوار و از املا به دستور زبان تنظیم شده است.

نوشتن: در این بخش، مهارت‌های نوشتاری زبان فارسی به شیوه‌های مختلف از قبیل املا و

دستور، تمرین و تقویت می‌شود. در هر درس مجموعه‌ای از فعالیت‌های نوشتاری، مبتنی بر آموزش‌های

بخش خواندن در نظر گرفته شده است.

توضیح

الف) کتاب با ستایش، آغاز و به نیایش ختم می‌شود.

ب) کتاب ۱۷ درس دارد.

پ) پس از هر فصل معمولاً یک شعر یا یک حکایت مناسب و هماهنگ با محتوای فصل آمده است.

ت) در هر فصل ۲ یا ۳ درس گنجانده شده است.

ث) متون نظم و نثر به طور متعادل و مناسب سازماندهی شده است.

ج) در پیشانی هر فصل، جمله یا بیتی زیبا که بیانگر محتوای فصل باشد، آمده است.

چ) روان‌خوانی‌ها در پایان هر فصل با پرسش‌های «درک و دریافت» همراه است تا زمینه تقویت تفکر فراهم شود.

ح) در این کتاب دو فصل آزاد و تعدادی تمرین تکمیل کردنی، پیش‌بینی شده است.

کتاب فارسی در سازماندهی محتوایی بر «نگرش شبکه‌ای» استوار است؛ یعنی تمام عناصر ساختاری و محتوایی یک فصل و کتاب، به صورت زنجیره‌ای به هم پیوسته‌اند. این درهم‌تنیدگی و پیوستگی را در نمودارهای طراح‌ی شده برای فصل اول کتاب می‌بینیم.

بررسی ساختار کلی کتاب فارسی دوره اول متوسطه

براساس برنامه مدون، دو بخش برای آموزش فارسی در دوره اول متوسطه در نظر گرفته شده است :

الف) مهارت‌های شفاهی زبان

ب) مهارت‌های کتبی زبان

هر دو بخش ارزش آموزشی یکسان دارند و مهارت‌های زبانی و ادبی را به‌طور موازی، مساوی و با آهنگی مناسب و متناسب پیش می‌برند. گره خوردگی و پیوند مطالب به گونه‌ای است که تدریس یک بخش کتاب نه ممکن است و نه عملی و علمی و منطقی.

این دو بخش در امتداد و استمرار کتاب‌های فارسی ابتدایی، مهارت‌های شفاهی زبان (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن) و مهارت‌های کتبی زبان (املا، نگارش) و مهارت‌های فرازبانی (تفکر و نقد) را پرورش می‌دهند.

در این کتاب، آموزش مهارت‌های خواندن مقدم بر نوشتن است.

اکنون به تبیین جداگانه هر یک از این دو مهارت می‌پردازیم :

الف) مهارت‌های خواندن

اهداف اساسی این بخش را در نکات زیر باید جست‌وجو کرد :

- ۱- درک متن‌ها و دریافت پیام اصلی آنها
- ۲- توانایی بلندخوانی، صامت‌خوانی و خواندن با لحن و آهنگ مناسب
- ۳- گسترش دایره دید در خواندن
- ۴- توانایی بحث و بررسی و نقد موضوعات مطرح‌شده در متن دروس
- ۵- توانایی شناخت و به‌کارگیری مهارت‌های زبانی
- ۶- به‌کارگیری کارافزارهای مناسب خواندن
- ۷- تقویت و تلطیف ذوق ادبی

بخش «خواندن» از ششم فصل و موضوع کلی و اساسی تشکیل شده است.

هر فصل شامل دو یا سه درس است که تعداد درس‌ها به اهمیت فصل و نیازهای دانش‌آموز بستگی دارد. همه کتاب ۱۷ درس است. فصل‌های آزاد کتاب (ننوشته) است. این فصل‌ها را دانش‌آموزان با مشارکت و همیاری یکدیگر و با نظارت و هدایت دبیر، تهیه خواهند کرد.

در هر فصل، شعرخوانی و روان خوانی آمده است. این شعرها و روان خوانی‌ها (روان خوانی‌ها غالباً داستان هستند) برای تقویت مهارت خواندن و به عنوان مکمل محتوا و مفاهیم فصل آمده‌اند. توضیح آنکه متن‌های کتاب فارسی هفتم، از معاصران است حکایات کتاب نیز علاوه بر تقویت مهارت خواندن که هدف اصلی آن است، نوعی موازنه در متون نو و کهن در کتاب پدید می‌آورد. در مجموع چهار شعرخوانی، سه حکایت و پنج روان خوانی در کتاب آمده است. کتاب با ستایش (شعر و نثر) آغاز و با نیایش پایان می‌یابد که ستایش و نیایش جزء درس و فصل‌ها قرار نگرفته‌اند. این شیوه از سنت‌های ادبی ماست. در گذشته نیز مرسوم بوده است که کتاب‌ها با ستایش (تحمیدیه) شروع و با نیایش (مناجات) پایان یابند. کتاب با واژه‌نامه، اعلام (اشخاص، آثار و مکان‌ها)، فهرست کتاب‌های مناسب با برنامه درسی و فهرست منابع و مآخذ پایان می‌یابد. واژه‌نامه براساس نظام الفبای فارسی، واژه‌های دشوار دروس را معنی کرده است. دانش‌آموزان در صورت برخورد با واژه‌ای که معنای آن روشن نیست، به این بخش مراجعه خواهند کرد. اعلام (نام‌های خاص و برجسته) بخش دیگری از کتاب است که به تفکیک نام‌های انسانی، آثار (کتب معتبر مطرح شده در متن کتاب) و مکان‌ها (نام‌های جغرافیایی در متن کتاب) را توضیح داده است. تفکیک این بخش‌ها برای سهولت مراجعه و دستیابی دانش‌آموز به آنهاست. بسیاری از این نام‌ها به صورت تفصیلی و گسترده‌تر در کتاب راهنمای معلم ذکر شده‌اند. اعلام نیز مبتنی بر نظام الفبای فارسی سامان یافته‌اند. فهرست منابع و مآخذ، بخشی از منابع هستند که در تألیف مستقیماً از آنها استفاده شده است. این فهرست نیز به شیوه متداول ذکر منابع و مآخذ براساس نظام الفبایی تدوین و تنظیم شده است. همچنین فهرست کتاب‌های مناسب با برنامه درسی فارسی پایه اول متوسطه یک، برای افزایش اطلاعات آورده شده است.

فعالیت‌های هر درس: در پایان هر درس سه دسته فعالیت با عنوان‌های خودارزیابی، دانش‌های زبانی و ادبی و کارگروهی دیده می‌شود.

۱- خودارزیابی

این فعالیت، کلاس را با تعامل میان معلم و دانش‌آموز، و دانش‌آموز با دانش‌آموز مواجه می‌سازد. اهداف این فعالیت عبارت‌اند از:

— ارزشیابی میزان درک دانش‌آموز از مطالب و متن درس

– خود ارزشیابی دانش‌آموزان، دانش‌آموز درمی‌یابد چه مفهیمی را دریافت نکرده است و از این طریق، خلأ اطلاعاتی خود را با هم کلاسی‌هایش جبران می‌کند.

– تقویت توجه، دقت و تمرکز حواس

– ارتقای درک شنوایی و مهارت در گفت و گو

– گسترش حوزه اطلاعات متن به اطلاعات دانش‌آموزان

– ایجاد فضای تعامل، نقد، همفکری و همیاری علمی

در بخش خودارزیابی، معمولاً سه تا چهار پرسش مطرح می‌شود که نخستین پرسش همگراست (پاسخ‌ها تقریباً یکسان و مربوط به متن درس است و دانش‌آموزان با مراجعه به متن پاسخ آن را خواهند داد). این پرسش میزان توجه و دریافت دانش‌آموزان را نسبت به متن درس ارزشیابی خواهد کرد.

معمولاً پرسش دوم تلفیقی است از همگرا و واگرا (به زبان دیگر هم بخشی از پاسخ را در متن درس می‌توان یافت و هم پاسخ مستلزم اطلاعات بیرونی و گسترده تر از متن است). پاسخ به این سؤال صبر و حوصله و زمان بیشتر می‌طلبد.

سؤال سوم عمدتاً واگراست (فراتر از متن و برای گسترش و ژرفا بخشیدن به درس است) و طبیعی است نباید از دانش‌آموزان انتظار پاسخ‌های یکسان داشته باشیم.

در خودارزیابی، همیشه یکی از سؤال‌ها به صورت نقطه چین مطرح شده است. این سؤال فرض است تا دانش‌آموزان و معلم به طرح سؤال احتمالی دیگر بپردازند. وجود این سؤال به معنای آن است که می‌توان چند سؤال دیگر مطرح کرد و در صورتی که ضرورت نباشد، حتی از طرح این سؤال نیز خودداری کرد.

نکته بسیار مهم: این سؤال گفتنی و شفاهی است نه نوشتنی؛ بنابراین نیازی به نوشتن پاسخ آن در کتاب نیست.

نکته مهم دیگر آن که بخش خودارزیابی کاملاً شفاهی است و نیازی نیست دانش‌آموزان جواب‌ها را در کتاب بنویسند. فعالیت‌های نوشتاری مناسب در بخش «نوشتن» به اندازه کافی در نظر گرفته شده است.

توصیه‌های لازم

۱- هنگام پرسش، فرصت اندیشیدن، مشورت کردن و گفت‌وگوی دانش‌آموزان فراهم شود.

۲- دانش‌آموزان را تشویق کنید تا پاسخ‌های خود را شرح دهند و از پاسخ‌های کوتاه و گفتنی

بله و خیر پرهیز کنند.

۳- دانش‌آموزان را تمرین دهید تا پاسخ خود را زمانی بدهند که پرسش کامل خوانده شده باشد.

- ۴- دانش‌آموزان را تمرین دهید که پیش از پاسخ دادن خوب فکر کنند تا پاسخ دقیق و منسجم بدهند.
- ۵- از دانش‌آموزان بخواهید علاوه بر پاسخ، نظر خود را درباره سؤال طرح کنند.
- ۶- به دانش‌آموزان فرصت دهید که پاسخ، خود را در مراجعه به متن بیابند، این کار باعث مرور متن می‌شود و جز درک معنا، در املا و یافتن شکل درست واژگان مؤثر است.
- ۷- دانش‌آموزان را تمرین دهید تا هنگام پاسخ گویی دیگران سکوت کنند و گوش دهند و احترام پاسخ‌گوینده را حفظ کنند.
- ۸- تشویق پس از دریافت پاسخ و ایجاد انگیزه برای مشارکت در پاسخ‌گویی بسیار مهم است.

۲- دانش‌های زبانی و ادبی

دانش‌های زبانی و ادبی، مجال و فرصتی برای طرح مباحث دستوری، نگارشی، ادبی، زبانی و گسترش و ژرفابخشی به دانش‌هایی هستند که دانش‌آموزان در کتاب‌های فارسی ابتدایی کسب کرده‌اند. در طرح این نکته‌ها، کوشش شده تا دانش‌آموز علاوه بر تلاش برای رشد و تقویت مهارت‌های زبانی، نقش فرازبانی زبان را دریابد؛ واژه‌ها را درست تعبیر و تفسیر کند؛ به تشریح و تبیین عناصر زبانی پردازد؛ سازمان درونی کلمه‌ها و جمله‌ها را بشناسد و بتواند جمله‌های صحیح دستوری را در گفته‌ها و نوشته‌های خود به کار گیرد.

شناخت ساختمان نحوی زبان فارسی و روابط هم‌نشینی واژه‌ها در زبان فارسی معیار از دیگر اهداف دانش‌های زبانی است.

در بخش دانش‌های ادبی، آشنایی با موضوعات شعر و نثر، قالب‌های شعری، زیبایی‌های ادبی و آموزه‌های نگارشی برای نوشتن خلاق و آمادگی برای نویسندگی و مهارت‌های آفرینش متن زیبا صورت می‌گیرد.

یکی از نکات بدیع و تازه‌ای که در این کتاب مطرح شده و در آینده استمرار می‌یابد، طرح مباحث مربوط به «مطالعه» است. دانش‌آموزان باید با مطالعه، روش‌های درست مطالعه و حرکت از مطالعه به سمت پژوهش و تحقیق آشنا شوند.

توصیه‌های مهم

- ۱- این بخش‌ها باید با درنگ، دقت، طرح مثال‌هایی بیشتر و با بهره‌گیری از همیاری و مشارکت دانش‌آموزان تدریس شود.

۲- دبیران گرامی باید با پیش زمینه‌ها و پیش خواننده‌های دانش‌آموزان در سال‌های گذشته آشنا باشند.

۳- تدریس باید زنده، شاداب، لذت بخش و به‌اندازه باشد. منظور از به‌اندازه، پرهیز از دادن اطلاعات اضافی و انباشتن ذهن و خسته کردن دانش‌آموز است.

۴- تدریس این بخش باید با بخش نوشتن هماهنگ و همراه باشد. آنچه را دانش‌آموز در این بخش به صورت شفاهی می‌آموزد، در بخش «نوشتن» به صورت کتبی و نوشتاری تمرین خواهد کرد.

۳- کارگروهی

دانش‌آموزان از یکدیگر می‌آموزند، به یکدیگر می‌آموزانند و به دلیل داشتن زبان مشترک و احساسات نزدیک به هم، بهتر می‌توانند مفاهیم را به هم تفهیم و منتقل سازند. کارگروهی، امتداد و استمرار «فعالیت‌های ویژه» در سال‌های ابتدایی است. در کارگروهی، دانش‌آموزان در گروه‌های خود به پاسخ مشترک و مناسب می‌رسند و در کلاس مطرح می‌کنند.

با اندکی دقت در این فعالیت، درمی‌یابیم که هدف، تقویت، تعمیق، گسترش و گاه تجسم بخشیدن به آموزه‌های درس است. برای اجرای بهتر این بخش پیشنهاد می‌شود:

- ۱- دانش‌آموزان در گروه به بحث درباره پرسش بپردازند. درباره دیدگاه‌های یکدیگر گفت‌وگو کنند و پس از اتمام بحث در صورت داشتن فرصت با گروه مجاور گفت‌وگو کنند.
- ۲- مجالی برای نمایش‌های کارگروهی فراهم شود. نمایش در ایجاد نشاط، شادابی و انتقال بهتر و پایاتر مفاهیم مؤثر است. دقت شود از همه دانش‌آموزان بهره گرفته شود و نمایش طولانی نشود. نمایش، فرصت ابراز توانایی‌ها و خلاقیت‌هاست.

شعرخوانی

در فارسی اول تا ششم ابتدایی شعرها به عنوان متن درس به کار گرفته شده بودند؛ شعرها مکمل مفاهیم درس یا گسترش دهنده مفاهیم فصل محسوب می‌شدند.

عنوان «شعرخوانی» جایگزین عنوان «باهم بخوانیم» در دوره ابتدایی است. این سروده‌ها گذشته از ایجاد نشاط و شکفتگی روح، زمینه‌ای مناسب برای زبان‌آموزی، شناخت واژگان، آشنایی با ادبیات و فرهنگ، تقویت ذوق و تکیه‌گاه انتقال و طرح مفاهیم، ارزش‌ها و بایسته‌های اجتماعی، اخلاقی، دینی و فرهنگی است.

بیشتر اشعار از شاعران معاصر کشور انتخاب شده‌اند (رویکرد تدوین و تألیف فارسی اول متوسطه تکیه بر ادبیات امروز ایران است). جز این ویژگی، ویژگی‌های دیگر این سروده‌ها عبارت است از:

- ۱- سروده‌ها با موضوع فصل پیوند دارند.

- ۲- از نظرگاه موسیقی شعری و درون مایه، همخوان با متن و ذوق مخاطب هستند.
- ۳- نمونه شعرها کوتاه انتخاب شده‌اند تا اجرا در کلاس امکان‌پذیر باشد؛ بنابراین گاه ابیاتی از اصل شعر حذف شده است.

- ۴- کوشش بر آن بوده است که سروده‌ها تنوع وزن و مضمون داشته باشند.
- ۵- به تنوع شاعر نیز توجه شده است. معیار انتخاب، روایی، زیبایی‌گرایی و همخوانی شعر با موضوع و مخاطب بوده است.

توصیه‌ها و پیشنهادها

- ۱- سروده‌ها را می‌توان به صورت گروهی در کلاس اجرا کرد. می‌توان هر شعر را به یک گروه اختصاص داد تا هم حفظ کند و هم در کلاس اجرا کند.

- ۲- اجرای گروهی شعر، خود نوعی آموزش همیاری و همکاری و انجام کار به صورت جمعی است.

- ۳- می‌توان از نوار موسیقی مناسب یا وسایل مناسب موسیقی استفاده کرد تا شعر تأثیرگذارتر شود.

- ۴- از توضیح بیت به بیت شعر پرهیز شود. بهتر است مفهوم و مضمون محوری شعر با گفت‌وگوی دانش‌آموزان روشن شود.

- ۵- گفتن املا و مشق از شعرها و «روان‌خوانی»ها، مانعی ندارد؛ زیرا آنچه در کتاب درسی آمده، بخشی از محتواست که باید در آموزش و ارزشیابی مورد توجه قرار گیرد.

- ۶- بحث در باب نوع شعر، قالب و ... لازم نیست.

- ۷- برای درست‌خوانی شعر می‌توان از نوار یا خوانش دقیق معلم بهره گرفت تا دانش‌آموزان آهنگ، درنگ، تکیه و تلفظ درست واژه‌ها را دریابند.

- ۸- از سروده‌ها در مناسبت‌ها می‌توان استفاده کرد (با هماهنگی مدیر و مربی مدرسه).

روان‌خوانی

روان‌خوانی‌ها معمولاً ساختاری داستانی دارند و برای رشد، گسترش و تقویت مهارت‌های خواندن در پایان فصل‌ها قرار گرفته‌اند. در مجموع پنج روان‌خوانی در کتاب فارسی سال هفتم آمده است.

اهداف

- ۱- رشد و گسترش توانایی خواندن نمادهای نوشتاری و تصویری زبان فارسی
- ۲- توانایی دریافت ارتباط معنایی بخش‌های مختلف یک متن
- ۳- توانایی درک پیام متن
- ۴- توانایی صامت‌خوانی و بلندخوانی و تندخوانی
- ۵- توانایی بررسی محتوای یک متن
- ۶- توانایی به‌کارگیری شیوه‌های مناسب خواندن
- ۷- توسعه و تقویت آداب و عادات پسندیده در خواندن
- ۸- گسترش وسعت دید در خواندن
- ۹- آشنایی با نمونه‌های خوب نثر و نویسندگان ادبیات داستانی و معاصر

۱۰- تعمیق بخشیدن محتوا محوری فصل به کمک قصه و داستان در ذهن فراگیران

زبان و نیز ادبیات، بر پیوندی دوسویه استوار است. یک سوی آن گوینده (شاعر یا نویسنده) است و سوی دیگر آن شنونده یا خواننده که گیرندهٔ پیام است. در قلمرو ادبیات این پیوند از شاعر یا نویسنده آغاز می‌شود و برای تکمیل آن به خواننده‌ای معناآفرین و تصویرساز نیاز است تا با نیروی درک و تخیل و آفرینش ذهن خود، خلق هنری را به پایان رساند. به همین روی ارج و شأن «خواندن» در خلق آفرینش ادبی آن چنان برجسته است که فرایند خواندن را یکی از کارکردهای مهم و اثرگذار کنش‌های زبانی در فریه‌سازی اندیشه و رشد و پرورش شخصیت فکری به‌شمار می‌آورند. «خواندن» یک اثر مکتوب را به گفتاری پویا و زنده تبدیل می‌کند که در جریان شکل‌گیری آن عوامل دیگری نظیر فضای فکری و جهان‌نگری خواننده، زمینه، موقعیت و لحن کلام و ... سبب می‌شوند تا معانی و برداشت‌های تازه‌ای از اثر پدیدار شود.

بنابراین خواندن یک اثر، پیوندی است میان متن و خواننده. به بیان دیگر خواندن، تعاملی است که بین عناصر متن و خلاقیت‌های ذهنی خواننده ایجاد می‌شود؛ به همین سبب، برخی به دو گونه «خواندن» اشاره می‌کنند؛ الف) خواندن پذیرا ب) خواندن پویا.

در جریان خواندن پذیرا، خواننده خود را تنها به درک و دریافت جمله به جملهٔ متن محدود و مقید می‌کند و تصویر و ادراک درستی از کلیت اثر نمی‌تواند به دست آورد.

در خواندن پویا، خواننده بر پایهٔ جریان فعال ذهنی خود و دریافت معنا و تصاویر و تخیل حاکم بر فضای کلی اثر، فرایند خواندن را پیش می‌برد و ارتباط ویژه‌ای با متن برقرار می‌سازد. در این شیوه،

کنش خواندن یک فعالیت پویا و اثرگذار است.

لحن و شیوه خواندن، مهم‌ترین فرایند هستی بخش هر اثر ادبی - هنری است. وقتی خواننده هنگام عمل خواندن، خود را در فضای حسی - عاطفی اثر می‌یابد، در واقع با آن همراه و هم حس می‌شود. این ایجاد هم‌سوئی و هم‌حسی با متن سبب می‌شود که خواننده هستی خود را با حُلق و خوی و منش قهرمان اثر همراه و یکسان ببیند و در خود دگرگونی و تحولی احساس کند. تبدیل به دیگری شدن در جریان خوانش یک اثر چنان شناخت حقیقت و هویت خویشتن با ارزش است. البته ناگفته نماند که کنش خواندن افزون بر کارکرد تعالی بخش و دگرگون کننده، ممکن است به دلیل آگاهی‌های نادرست و نارسای خوانندگان، نه تنها قابلیت‌های زبانی، تصویری و شنیداری متن را آشکار نسازد، بلکه با خوانش سطحی و ناقص، ویژگی‌های اثرگذار نوشته را نادیده بگیرد.

هویت خواننده هم موضوعی است که باید بدان توجه کرد. هر فرد دارای ویژگی‌هایی است و در هر لحظه به فراخور زمان و مکان و فضایی که در آن قرار می‌گیرد، پاره‌ای از آن ویژگی‌ها را به نمایش می‌گذارد. خواندن یک متن هم به عنوان موقعیتی اثرگذار، بخشی از هویت فرد را آشکار می‌سازد.

بهره‌گیری از قصه و داستان و حکایت آموزنده و سازنده، بهترین وسیله برای غنی‌سازی هدمند اوقات فراغت و ابزار بسیار مناسبی برای پرورش مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان است.

خواندن قصه و داستان، عادت به مطالعه و خوگیری با آن را در فراگیری پرورده می‌سازد و باعث رشد کلامی، پویایی ذهن و خلاقیت بیشتر فکر و اندیشه می‌شود و گنجینه‌ها و ازگانی و افق دریافت مفاهیم را در دانش‌آموزان گسترش می‌دهد.

خواندن به گونه‌ای آموزش املا نیز هست؛ زیرا دانش‌آموزان در کتاب، شکل درست کلمات را می‌بینند و تصویر آن در ذهنشان جایگیر می‌شود و هنگام نوشتن در منظر دیدگاه آنها پدیدار می‌گردد. از طریق خواندن نمونه‌های خوب روان‌خوانی، فراگیران با ساختار دستوری صحیح جمله‌ها و ترکیب‌های رایج زبان نوشتاری معیار نیز آشنا می‌شوند و در نتیجه به بسیاری از مهارت‌های مندرج در برنامه آموزش زبان دست می‌یابند.

خواندن کتاب‌های داستانی، ابزار مناسبی برای پرورش استعداد، تخیل و رشد و ساماندهی شخصیت نوجوانان و جوانان است. قصه‌خوانی، مجاللی فراهم می‌کند تا بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و خوی و منش پسندیده در دانش‌آموزان درونی و نهادینه شود. آنان با الگوپذیری از قهرمانان و شخصیت‌های داستانی به اصلاح و بازسازی رفتارهای خود می‌پردازند. این الگوپذیری باعث می‌شود رنج‌های روحی

و فشارهای روانی ویژه دوره نوجوانی و بلوغ در آنان کم رنگ شود. به همین سبب معمولاً نوجوانان آثار داستانی - ادبی را پناهگاه روحی خود می بینند و مشکلات رفتاری زندگی و ناکامی های اجتماعی خویش را از طریق خواندن این آثار بی اثر می کنند.

بر همین بنیاد باید افزود که رشد و پرورش همه جنبه های شخصیتی نوجوانان و جوانان را می توان در استمرار خواندن کتاب های داستانی یافت.

همچنین زیبایی های حسی - عاطفی موجود در کتاب ها و نمونه های داستانی، حس عاطفی و زیباشناسانه نوجوان را برمی انگیزد و سبب رشد و پرورش جنبه های عاطفی و نگرش آنان می شود.

نوجوانان با خواندن داستان های حکمت آمیز، بسیاری از رفتارهای اجتماعی و راه برقراری ارتباط مؤثر را می آموزند و به شناخت و کسب تجربه های ارجمندی نسبت به جامعه پیرامون و جهان امروز دست می یابند و مطالب فراوانی درباره دانش های دیگر مانند تاریخ، علوم تجربی، جغرافیا و ریاضیات فرا می گیرند.

بر پایه آنچه گفتیم، برنامه درسی زبان آموزی تأکید بسیاری بر فعالیت کتاب خوانی دانش آموزان دارد و توصیه می کند که در هر هفته دانش آموزان حداقل یک کتاب را بخوانند و در کلاس در مورد عناصر داستان (شخصیت ها، زاویه دید، درون مایه، لحن و ...) گفت و گو کنند؛ چکیده ای از داستان را بازگو

نمایند و درباره علت و چگونگی رویدادها، اظهار نظر و احساسات خود را بیان کنند. همچنین بایسته است دانش آموزان به اطلاعات کتاب شناسی، نظیر: نام نویسنده، مترجم، ناشر، سال و مکان نشر هر اثر توجه کنند.

شایسته است فضایی در کلاس فراهم شود تا دانش آموزان در گروه های ۴ یا ۵ نفره کتاب را برای یکدیگر بخوانند و دیگران پس از گوش دادن، درباره آن با یکدیگر گفت و گو کنند.

ب) مهارت های نوشتن

نوشتن برای تقویت مهارت های املائی، دستوری و بلاغی است. این بخش جزء جدایی ناپذیر مهارت های خواندن است و باید پا به پای آن پیش برود؛ بنابراین تفکیک تدریس آن یا در نظر گرفتن دبیر جداگانه برای آن هرگز پذیرفته نیست. در این بخش به اقتضای هر درس به طور میانگین چهار تمرین در نظر

گرفته شده است. تمرین های نوشتن در مسیری منطقی و منطبق بر آموزش های مهارت «خواندن» تدوین و تنظیم شده اند. حدود ۶۰ تمرین در این کتاب وجود دارد که برای تحقق مهارت های زیر (گاه نیز چند مهارت تلفیقی) در نظر گرفته شده اند:

۱- مهارت های متنوع املائی

۲- مهارت های زبانی و دستوری

معمولاً نخستین تمرین‌ها ارزش‌آملائی دارند و دانش‌آموزان با مراجعه به متن درس و آموزه‌های آملایی به آنها پاسخ می‌دهند و تمرین‌های پایانی برای تقویت مهارت‌هایی هستند که در دانش‌های زبانی و ادبی مطرح شده‌اند.

در فعالیت‌های «نوشتن» از ظرفیت‌ها و امکانات گوناگون مانند جدول و تصویر بهره گرفته شده است. باید مجال‌ی ایجاد کرد تا دانش‌آموزان آزادانه و با اندیشیدن و مشورت کردن در فضایی پر از نشاط و آرامش به نوشتن بپردازند.

دانش‌های زبانی (دستور)

دستور زبان، مجموعه‌ اصول، مفهوم‌ها، تعریف‌ها و قاعده‌هایی است که اهل زبان آن را در کودکی به‌طور ناخودآگاه فرامی‌گیرند و از آنها برای فهمیدن سخن دیگران و سخن گفتن استفاده می‌کنند (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۷). زبان‌شناسان و دستوریان می‌کوشند تا این مجموعه اصول و قواعد را کشف و توصیف کنند و با عنوان دستور زبان ارائه کنند.

در ابتدای سخن شاید بهتر باشد درباره‌ ضرورت آموزش دستور بیندیشیم. بسیاری از متخصصان معتقدند وقتی اهل زبان به راحتی سخن می‌گویند و سخن دیگران را درک می‌کنند و به صورت طبیعی دستور زبان را رعایت می‌کنند، نیازی به آموزش دستور نیست. از طرفی برخی دیگر بنا به دلایل زیر آموزش دستور را لازم می‌دانند:

● دستور زبانی که در کودکی فراگرفته می‌شود، ناخودآگاه است و با علم آگاهانه درباره‌ زبان تفاوت دارد.

● دستور زبان کودک، دستور زبان گفتاری غیررسمی و گاه عامیانه است؛ حال آنکه در زبان رسمی نوشتاری، آموزش دستور اجتناب‌ناپذیر است.

علاوه‌بر دلایل فوق، پژوهش‌ها حاکی از آن است که درک ساخت جمله در افزایش درک متن بسیار مؤثر است. به عبارت دیگر وقتی دانش‌آموزان نحوه خُرد کردن جمله را به اجزای آن بیاموزند، درک آنها تقویت می‌یابد.

بنابه دلایل یاد شده، در کتاب اول متوسطه، دستور زبان ارائه شده است؛ اما از آموزش دستور به‌شکل سنتی پرهیز شده است. آنچه در آموزش این بخش بسیار اهمیت دارد، این است که تا حد امکان، دستور در بافت زبان آموزش داده شود، به طوری که دانش‌آموز ارتباط آن را با زبان درک کند.

مبانی نظری آموزش دستور

مرور تاریخچه دستورنویسی، نشان می‌دهد که نگاه غالب، دستور سنتی است. دستور سنتی بر پایه ویژگی‌های زیر، استوار است:

۱- تجویزی بودن: نویسندگان به جای اینکه کوشش کنند زبان را همچون دستگاهی نظام‌یافته نگاه کنند و قواعد حاکم بر آن را کشف و توصیف نمایند، بنای کار خود را بر امر و نهی بنیاد نهاده‌اند و کاربرد صحیح قواعد زبان را متذکر می‌شوند. به همین دلیل دستور زبان در دستور سنتی به این صورت تعریف می‌شود: «دستور زبان، قواعدی است برای درست گفتن و درست نوشتن». (دستور پنج استاد و...)

انتخاب واژه دستور در زبان فارسی برای این شاخه از مطالعه زبان، گویای همین نگرش است. در صورتی که دستور زبان، مجموعه قواعدی محدود است که اهل زبان آن را به طور ناخودآگاه فرا می‌گیرند و در ذهن خود نگهداری می‌کنند و کار دستورنویس و زبان‌شناس باید توصیف این دانش ناخودآگاه باشد.

۲- انعطاف ناپذیری: دستورنویسان سنتی گمان می‌کنند در هر مورد فقط یک صورت «درست» وجود دارد و هرچه جز آن باشد، «نادرست» است. در صورتی که تمایز درست و غلط مشخص و مطلق نیست. در بسیاری از موارد دو یا چند صورت زبانی می‌توانند درست باشند و به کار روند. تنها ملاک برای تمایز بین درست و نادرست، نحوه کاربرد یا استعمال اهل زبان است.

۳- ایستایی: یکی دیگر از فرض‌های غلط که اساس کار دستورنویسان سنتی قرار گرفته، این است که زبان تغییر نمی‌کند یا نباید تغییر کند و اگر دستور زبان جامعی برای یک زبان نوشته شود، می‌تواند برای همیشه معتبر و مستند باشد.

مسلم است که چنین فرضی خلاف ماهیت و کار زبان است؛ چرا که زبان همواره در حال تغییر است و صورت‌های تحول یافته، غلط محسوب نمی‌شوند و اگر تغییرات تازه در دستور زبانی که نوشته شده، منعکس نگردد، ناچار کهنه می‌شود و رفته رفته ارزش خود را از دست می‌دهد.

۴- تقلیدی بودن: دستورهای سنتی فارسی، زیر نفوذ دستور زبان‌های دیگر قرار گرفته‌اند و از این رو تحولات آنها را به خود پذیرفته‌اند؛ مثلاً به قیاس از زبان عربی، اسم به جامد و مشتق تقسیم‌بندی می‌شود و اسم‌های مشتق را چنین می‌شمرند: اسم فاعل، اسم مفعول و... در صورتی که اشتقاق کلمات در فارسی از راه افزودن پیشوند و پسوند است، نه داشتن ریشه عربی.

۵- درهم آمیختن نگرش در زمانی با نگرش هم‌زمانی: آنچه درباره گذشته یک زبان صادق بوده، الزاماً درباره وضع امروز آن درست نیست. برای نوشتن دستور زبان معاصر هر زبانی باید فارغ از علل و سوابق تاریخی مطالعه شود.

برای مثال در فارسی معاصر «همی» برای ماضی استمراری کاربرد ندارد؛ بنابراین در دستور زبان معاصر نباید از آن نامی به میان آورد.

دستور زبان‌های سنتی، نه توصیف کاملی از گذشته زبان به دست می‌دهند و نه وضع حال آن را به خوبی مشخص می‌کنند.

۶- نداشتن نظریهٔ زبانی: همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره کرده‌ایم، دستورهای سنتی بر بنیاد چنین نظریهٔ عمومی قرار نگرفته‌اند. از آنجایی که این دستورها بر مبنای نظریهٔ روشن و صریحی دربارهٔ زبان قرار ندارند، ناچار توصیف آنها از ساختمان زبان، آشفته، نامنظم، بریده بریده و در بسیاری موارد نادرست و گمراه‌کننده است.

۷- در آمیختن زبان با ادبیات: زبان و ادبیات هر یک دستوری مختص به خود دارند و در آمیختن آنها با همدیگر و نیز تدریس دستور زبان به وسیلهٔ ادبیات کاری ناشایست و نابه‌جاست. در دستورهای سنتی آموزشی دستور زبان گاهی از طریق شعر صورت می‌گرفت.

با توجه به معایب دستور سنتی که در بالا ذکر آن رفت، به رویکردهای غالب در زبان‌شناسی توجه می‌کنیم. سه رویکرد اصلی در توصیف زبان عبارت است از: صورت‌گرایی، نقش‌گرایی و شناختی. در رویکرد صورت‌گرایی، زبان خارج از بافت بررسی می‌شود و با توجه به ساختار صوری توصیف می‌شود. رویکرد نقش‌گرایی زبان را در بافت خود تحلیل می‌کند و توجه به معنا دارد. رویکرد شناختی به درک مفاهیم زبان در ذهن می‌پردازد. به عنوان مثال برای درک مفهوم مسافت چه اتفاقی در ذهن می‌افتد.

در آموزش مدرسی برای دستور، دو رویکرد صورت‌گرایی و نقش‌گرایی مناسب‌تر است. سال‌ها این دو رویکرد در مقابل یکدیگر قرار داشتند و هر یک بر اصول خود اصرار می‌کردند؛ اما شواهد نشان می‌دهد که در برخی موارد هر دو رویکرد در توصیف زبان با مشکل مواجه می‌شوند. امروزه بسیاری از زبان‌شناسان معتقدند که برای توصیف زبان نیاز است هر دو رویکرد با هم به کار گرفته شوند. در آموزش دستور در کتاب فارسی اول متوسطه، رویکرد صورت‌نقش (تلفیق) مورد توجه بوده است. به عبارت دیگر تمرکز بر آموزش زبان در بافت بوده است؛ اما در صورت نیاز از شکل صوری زبان نیز در آموزش بهره برده شده است.

نکته: گاهی که در بخش دانش‌های زبانی، در آموزش دستور مطرح می‌شود، باید در ارزشیابی نیز دنبال‌گرد؛ لذا در طرح سؤال از الگوهای فعالیت نوشتاری کتاب (سؤال‌های دستوری) استفاده شود.

زنجیره مباحث دستوری در فارسی هفتم دوره اول متوسطه

می‌خواهیم ببینیم وضعیت دستور در کتاب فارسی پایه هفتم دوره اول متوسطه چگونه و بر چه اساسی استوار است؟ در کتاب حاضر، بخش مجزایی به نام دستور وجود ندارد؛ بلکه نکات دستوری در بخشی به نام «دانش‌های زبانی و ادبی» گنجانده شده است؛ بنابراین همه کتاب باید به وسیله یک دبیر تدریس شود تا پیوستگی مطالب دچار اختلال نگردد.

گفتنی است که علاوه بر وجود نظم و سیر خاصی در بیان مطالب دستوری، مثال‌های نکات مورد نظر معمولاً از همان درس که حاوی نکته‌های زبانی و ادبی است، استخراج شده و براساس آنها و از طریق استقرا، دانش‌آموزان را متوجه ساخت زبانی مورد نظر خواهد نمود و تلاش بر این است که در این روند آموزشی، دانش‌آموزان از طریق ارائه مثال‌ها، مصداق‌ها و شواهد به کشف قاعده نایل آیند. همچنین در قسمت «دانش‌های زبانی و ادبی» و نیز تمرین‌های کتاب فارسی خوانداری و فعالیت‌های نوشتاری از دانش‌آموزان خواسته می‌شود با توجه به قاعده کشف شده، به تولید مصداق و شواهد و مثال‌های جدید پردازند.

درس اول

در آموزش جمله، ابتدا سه یا چهار دانش‌آموز جلوی کلاس بیایند و با یکدیگر گفت‌وگو کنند. سایر دانش‌آموزان باید به گفت‌وگوهای آنها گوش دهند و در پایان بگویند که این چهار نفر چه پیام‌هایی را به یکدیگر منتقل کردند. هدف این است که دانش‌آموزان بیاموزند، زمانی صحبت می‌کنند که بخواهند پیامی را به مخاطب خود منتقل کنند و برای این کار پیام خود را در قالب جمله بیان می‌کنند. برای درک بهتر این مطلب، در مرحله دوم به چهار دانش‌آموز بگویید هر کدام یک دقیقه فرصت دارند تا پیام‌های خود را منتقل کنند. سپس از سایر دانش‌آموزان بخواهید قضاوت کنند کدام یک در زمان خود به بهترین شکل بیشترین پیام را بیان کرد. در اینجا هدف این است که دانش‌آموزان روی تک تک جملات خود حساس شوند و بدانند هر جمله امکان انتقال پیامی را برای مخاطب فراهم می‌کند؛ لذا به بهترین شکل باید از آن بهره برد.

نکته: برای ارزشیابی، از طرح سؤالاتی که تعداد جمله را از دانش‌آموز می‌پرسد، پرهیز شود و به جای آن متنی در اختیار دانش‌آموز قرار داده شود و بخواهید پیام تک تک جملات را استخراج کند. منظور از پیام، تفسیر متن نیست؛ بلکه اطلاعاتی است که صراحتاً در جمله‌ها بیان شده است.

درس دوم

برای آموزش انواع جمله، چهار دانش آموز جلوی کلاس بیایند. به نفر اول بگوییم وقتی می خواهد درباره تاریخ تولد خود به مخاطبان پیامی بدهد، چه جمله ای می گوید. پاسخ او احتمالاً به این صورت است: «من سال ۱۳۰۰ به دنیا آمده‌ام.» از نفر دوم بخواهید درباره زیبایی یک گل پیامی را به مخاطب برساند. از سومین نفر بخواهید در پیام خود یک لیوان آب بخواهد و نفر چهارم درباره دانستن وقت، جمله ای بگوید. به این ترتیب توجه دانش آموزان به انواع جمله جلب می شود. در مرحله دوم از چهار دانش آموز می خواهیم صحبت کنند و سایر دانش آموزان جملات خبری، پرسشی، عاطفی و امری را از سخنان آنها استخراج کنند. چنانکه ملاحظه می کنید، انواع جمله در بافت زبان آموزش داده می شود. به عبارت دیگر دانش آموز متوجه می شود همواره در کلام خود از انواع جمله بهره می برد.

درس سوم

پس از معرفی جمله و انواع آن، به معرفی اجزای جمله می پردازیم. هدف از آموزش اجزای جمله این است که دانش آموز بداند جملات چگونه گسترش می یابند و منطق قرار گرفتن اجزای جمله در کنار هم چیست. این کار سبب افزایش درک متن دانش آموزان می شود.

برای معرفی اجزای جمله از نظریه «دستور وابستگی»^۱ پیروی شده است. در دستور وابستگی فعل به عنوان جزء اصلی جمله، در رأس است و با توجه به ظرفیت خود اجزایی را می گیرد و جمله گسترش می یابد. به عنوان نمونه، افعالی مانند «آمد و خوابید» یک ظرفیتی اند و با گرفتن یک جزء گسترش می یابند؛ اما فعل «خورد» دو ظرفیتی است و با گرفتن دو جزء گسترش می یابد.

در درس سوم برای درک اهمیت فعل به عنوان محور اصلی جمله، مثال هایی ارائه شده است که ارزش فعل برجسته می گردد.

درس چهارم

در این درس، افعال یک ظرفیتی (ناگذر یا لازم) معرفی شده اند. برای آموزش اجزای جمله از دانش آموزان خواهیم جدولی را طراحی کنند. مهم ترین قطعه جدول، فعل است که در جلسه گذشته با آن آشنا شدند. در آموزش این درس از دانش آموز خواهیم جدول آنها ظرفیت پذیرش دو خانه را

۱- برای آشنایی بیشتر، مطالعه کتاب «ظرفیت فعل»، تألیف دکتر امید طبیبزاده، نشر مرکز توصیه می شود.

داشته باشد. این کار بسیار اهمیت دارد؛ زیرا اگر دانش‌آموزی بخواهد برای فعل «آمد» به جای «علی آمد» بگوید «علی از تهران آمد» به او می‌گوییم که جدول جمله امروز در کلاس درس، دو خانه‌ای است و باید دو قطعه‌ای که اهمیت بیشتری دارند، در آن قرار گیرد.

درس ششم

مطابق درس گذشته، جدول جمله در این جلسه، سه خانه‌ای است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، افعال گذرا و ناگذرا به‌طور غیرمستقیم آموزش داده می‌شود؛ بدون اینکه به‌صورت مجموعه قواعد حفظی ارائه شود. هدف از آموزش افعال گذرا و ناگذرا در اینجا این است که دانش‌آموز منطق گسترش جمله را بداند.

درس هفتم

جدول جمله در این جلسه، چهار خانه دارد که با افعال سه ظرفیتی مانند «گرفت» قطعه متمم نیز به جمله اضافه می‌شود.

درس هشتم و نهم

از آنجایی که دانش‌آموز با افعال اسنادی مواجه می‌شود، لازم است این نوع فعل نیز به او معرفی شود. بار معنایی افعال اسنادی به‌گونه‌ای نیست که به تنهایی بتوانند تعیین‌کننده اجزای جمله باشند به همین سبب، بهتر است در طراحی جدول فعل اسنادی، مانند نمونه عمل شود:

سرد است		هوا
است	سرد	هوا

درس دهم

پس از آشنایی ابتدایی با اجزای جمله، مجدداً به مبحث فعل برمی‌گردیم تا محور اصلی جمله را بهتر بشناسیم. ابتدا از دانش‌آموزان بپرسید. «برای اینکه کسی یا چیزی را بشناسند، چه می‌کنند؟» در جواب آنها، به این مطلب می‌رسند که لازم است خصوصیات و ویژگی‌های آن شخص یا چیز را بدانند. در ادامه به آنها می‌گوییم، می‌خواهیم فعل را بشناسیم، پس باید ویژگی‌های آن را بدانیم.

اولین ویژگی فعل، «زمان» آن است. برای آموزش آن سه دانش آموز جلوی کلاس بیایند. یکی در مورد کارهای دیروز خود صحبت کند، دیگری درباره همان لحظه سخن بگوید و نفر سوم راجع به کارهایی که در آینده می‌خواهد انجام دهد، بگوید. به این ترتیب تمایز زمان‌ها در کاربرد برجسته می‌شود. گفتنی است که در اینجا انواع ماضی و مضارع مورد نظر نیست. در ادامه از یک دانش آموز می‌خواهیم چند دقیقه‌ای صحبت کند و سایر دانش‌آموزان جملات حال، گذشته و آینده او را به خاطر بسپارند و در پایان صحبت او، آنها را بگویند.

درس یازدهم

یکی از ویژگی‌های فعل، «شخص» و «شمار» است. در آموزش شخص، دو دانش آموز جلوی کلاس بیایند. ابتدا از دانش‌آموز اول بخواهیم خود را برای مخاطبش معرفی کند و چند جمله بگوید؛ مثلاً «من اهل تبریز هستم.» در این صورت شناسهٔ افعال او اول شخص خواهد بود. در ادامه از دانش‌آموز اول بخواهیم چند جمله دربارهٔ مخاطبش به او بگوید. مثلاً «تو دانش‌آموز مؤدبی هستی.» در این صورت شناسهٔ افعال او دوم شخص خواهد بود. سپس از دانش‌آموز اول بخواهیم در مورد یکی از دوستانش با مخاطبش سخن بگوید. مثلاً «زهره به کتابخانه رفت.» در این صورت شناسهٔ افعال او سوم شخص خواهد بود.

وقتی ویژگی شخص در بافت آموزش داده می‌شود دانش‌آموز درک می‌کند منظور از اول شخص، گوینده است که دربارهٔ خود سخن می‌گوید. دوم شخص، همان شنونده است و هرگاه بخواهیم دربارهٔ شخصی صحبت کنیم که نه گوینده است و نه شنونده، از شناسهٔ سوم شخص استفاده می‌کنیم. در ادامه می‌توانیم به همین شکل مثال‌هایی را برای شمار (مفرد، جمع) ارائه کنیم.

با مثال‌های بیشتر از دانش‌آموزان بخواهیم افعالی که در گفت‌وگوها می‌شنوند، روی کاغذ بنویسند و توجه کنند که ویژگی شخص و شمار، چگونه در شکل ظاهری فعل، پدیدار می‌شوند.

درس دوازدهم

ضمیر یکی از ابزارهای زبانی برای انسجام بین گزاره‌های متن است. وقتی خواننده برای یافتن مرجع ضمیر، نیاز دارد، به جمله‌های قبل و بعد خود مراجعه کند، بین اجزای متن ارتباط ایجاد می‌کند. برای آموزش ضمیر از دانش‌آموزی بخواهید که جلوی کلاس بیاید و دربارهٔ دوست خود صحبت کند. او در اولین جمله، اسم دوستش را بیان می‌کند؛ اما به‌طور طبیعی در ادامه به جای اسم دوستش از ضمیر «او» استفاده

می‌کند. به این ترتیب در کاربرد زبان، ابتدا ضمیر را برجسته کنیم؛ سپس به صورت ساختاری آن را آموزش دهیم. ضمناً در ارزشیابی حتماً پرسش‌هایی طراحی شود که از دانش آموز مرجع ضمیر سؤال شده باشد.

درس سیزدهم و چهاردهم

در آموزش این دو درس، رویکرد صورت‌گرایی غالب است و بن افعال به لحاظ صوری مورد توجه قرار می‌گیرد.

درس شانزدهم

در این درس، دانش‌آموزان با شش ساخت زمان آینده، بُن و شناسه فعل، آشنا می‌شوند.

درس هفدهم

در دروس گذشته به فعل پرداخته شد و درباره ویژگی‌های آن مطالبی بیان گردید. در آخرین درس کتاب، یک درس درباره اسم ارائه شده است که به لحاظ ساختاری اسامی را در دو طبقه ساده و غیرساده قرار می‌دهد.

نکته: مبحث اسامی ساده و غیرساده، در این کتاب اصلاح شده است؛ لذا براساس مطالب این درس، طبقه‌بندی ساده و غیرساده آموزش داده شود. در سال آینده تقسیم‌بندی غیرساده، ادامه این بحث خواهد بود. در این مجموعه از کتاب‌ها یک دوره دستور در حد دانش‌آموزان دوره متوسطه یک تدریس می‌شود و سعی بر آن است که آمادگی لازم در آنها، جهت ارتباط با کتاب‌های ادبیات و زبان فارسی مقطع بالاتر به وجود آید.

توضیح این نکته ضروری است که اساس کار بر این است که در هر سال جهت تکمیل مباحث سال‌های پیشین، مطالبی افزوده شود. بنابراین ذکر مباحث دستوری دارای سلسله‌مراتبی خاص است و نکات موجود، مکمل همدیگرند. همچنین موارد ناگفته فراوان است. این روش آگاهانه است و در این خط سیر، توانایی دانش‌آموز مدنظر قرار گرفته شده است. بنابراین از همکاران محترم تقاضا می‌شود از تدریس مطالب خارج از کتاب هر چند سودمند خودداری کنند. کوشش شده است که قواعد دستوری ساده و صریح نوشته شود و از طریق مثال‌ها و جداول، مفاهیم مورد نظر نهادینه گردد. همچنین نگارش مطالب از ساده به پیشرفته صورت گرفته و غالب بخش‌ها به منزله پیش‌نیازی برای بخش‌های پسین است؛ بنابراین اگر در یادگیری بخش‌های نخست کتاب توجه کافی مبذول گردد، نتیجه در پایان کار مطلوب خواهد بود.

موضوعی که باید بدان توجه داشت، این است که در این دستور، بیشتر جنبه‌های نظریه دستور وابستگی مدنظر قرار گرفته است؛ اما چون کتاب جنبه آموزشی دارد، گاهی برای تدریس بهتر، می‌توان از دیگر نظریه‌های زبان شناختی نیز استفاده کرد.

در این کتاب، سعی بر این بوده است که اشتباهات دستور سنتی همچون تجویزی بودن، انعطاف ناپذیری، ابدیت دستور، تحمیل تحولات خارجی به زبان و... تکرار نشود. علاوه بر آن تلاش بر این بوده است که دستوری تدوین گردد که مورد توافق دستور نویسندگان و زبان شناسان از هر نحله و مکتبی باشد و از موارد اختلاف برانگیز در مباحث دستوری و زبان شناختی پرهیز شده است.

تکرار این نکته اجتناب ناپذیر است و آن تدریس تمامی موارد موجود در کتاب از جمله دستور به وسیله یک دبیر است. از برنامه ریزان آموزشی، درخواست می‌شود، ساعت‌های تدریس دبیران محترم را طوری تنظیم کنند که تمامی ساعت‌های مربوط به درس زبان و ادبیات فارسی، تنها به یک دبیر اختصاص یابد. موارد و مباحث زبانی موجود در کتاب فارسی اول بدین قرار است:

نکته‌های زبانی

- ۱- معرفی جمله
- ۲- انواع جمله
- ۳- فعل
- ۴- نهاد
- ۵- مفعول
- ۶- متمم
- ۷- فعل اسنادی
- ۸- مسند
- ۹- زمان فعل
- ۱۰- شخص و شمار
- ۱۱- ضمیر
- ۱۲- بن مضارع
- ۱۳- بن ماضی
- ۱۴- آینده
- ۱۵- واژه‌های ساده و غیرساده

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حدود ۱۵ بخش از ظرفیت ۳۰ گانه بخش «دانش‌های زبانی و ادبی» به مباحث دستوری (نحوی و صرفی) پرداخته است. همکاران محترم می‌توانند در بخش نکته‌های «زبانی و ادبی» درس‌های چهاردهم و پانزدهم (درس‌های آزاد) نیز به مباحث دستوری بپردازند. ان شاء الله در پایه‌های دوم و سوم مباحث دستوری کامل‌تر و عمیق‌تر و وسیع‌تر طرح خواهد شد. مباحث دیگر موجود در نکته‌های زبانی و ادبی مربوط به مسائل ادبی است. این نکات عبارت‌اند از:

زنجیره مبحث ادبی در فارسی پایه اول متوسطه (هفتم)

نکته ادبی

- ۱- هم‌خانواده
 - ۲- معرفی ادبیات
 - ۳- تکرار
 - ۴- جابه‌جایی در شعر و نثر
 - ۵- قطعه
 - ۶- داستان‌های رمزی و نمادین
 - ۷- ترجمه
- در صورت نیاز به طرح نکته‌ای زبانی، ادبی، نگارشی و ... می‌توان آن را در قسمت دانش‌های زبانی و ادبی درس‌های آزاد ذکر کرد.

مفاهیم و موضوعات زبانی و ادبی مورد توجه در برنامه درسی اول متوسطه

- ۱- دستور
 - جمله و ساخت آن
 - گروه اسمی
 - اجزای جمله ۲
 - گروه قیدی
 - انواع جمله
 - دستور تاریخی
 - گروه فعلی
- ۲- نگارش و انشا
 - یادداشت روزانه
 - زندگی نامه
 - خاطره نویسی
 - گزارش نویسی
 - گفتار و نوشتار
 - نمایش نامه
 - فیلم نامه
 - داستان نویسی
 - بازگردانی شعر به نثر
 - آشنایی با گونه های نثر
 - ساختار مقاله و مقاله نویسی
 - توصیف
 - نامه نگاری
 - طنز
 - بهره گیری از عنصر جان بخشی در نوشته
 - شرح حال نویسی
 - معرفی زادگاه و اماکن (تک نگاری)
 - بازسازی رویدادها

– گزینش بهترین واژه‌ها و به‌کارگیری در نوشته

– گامی فراتر از ساده‌نویسی

– مثل و ضرب‌المثل

– روزنامه دیواری

– خلاصه‌نویسی

– صمیمیت در نوشته

– فضاسازی

– بازنویسی

– بازآفرینی

– بهره‌گیری از عنصر تخیل (نوشته خلاق)

۳– املا

۴– مطالعه، کتاب‌خوانی و پژوهش

این موضوع در برنامهٔ درسی فارسی، زمینهٔ بسیار مناسبی برای گسترش فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و پژوهش است.

۵– دانش ادبی، شامل:

۱– قالب‌های شعری مانند: قصیده، مثنوی، قطعه، شعر نیمایی

۲– زیبایی‌های ادبی (نثر و شعر) مانند: تشخیص، تشبیه، سجع، مبالغه و ...

۶– مفاهیم ارزشی

۱– طرح ارزش‌های فرهنگ و تمدن ایرانی – اسلامی

۲– طرح ارزش‌های ملی و انقلابی

۳– طرح ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی

۴– طرح ارزش‌های بومی و منطقه‌ای

فهرست فعالیت‌ها و تمرین‌های پیشنهادی برای برنامهٔ فارسی اول متوسطه

مهارت‌های گفتاری

۱– داستان‌گویی

۲– سرودخوانی

۳– گفت‌وگو در کلاس

- ۴- گسترش واژگان
- ۵- چیستان‌گویی
- ۶- مصاحبه
- ۷- دکلمه
- ۸- توصیف شفاهی تصاویر
- ۹- خاطره‌گویی
- ۱۰- تعریف کردن داستان
- ۱۱- نقل قول مستقیم
- ۱۲- نقل قول غیر مستقیم
- ۱۳- نقالی
- ۱۴- خطابه و سخنوری
- ۱۵- مسابقه‌های ادبی، مشاعره و...

مهارت‌های نوشتاری

- ۱- عبارت‌های تکمیل کردنی
- ۲- گسترده‌نویسی
- ۳- جدول کلمات
- ۴- واژه‌سازی با پیشوندها
- ۵- واژه‌سازی با پسوندها
- ۶- واژه‌سازی با مشتق‌های فعلی
- ۷- واژه‌سازی با اسم‌ها و صفات
- ۸- کاربرد نکات املائی
- ۹- کاربرد نکات نگارشی
- ۱۰- کاربرد نکات زبانی
- ۱۱- آموزش خط تحریری
- ۱۲- نگارش مشاهدات و محسوسات در طبیعت
- ۱۳- نوشتن خلاق
- ۱۴- مطابقت فعل و نهاد
- ۱۵- مطابقت فعل و شناسه

- ۱۶- مطابقت اجزای جمله
- ۱۷- جمله‌سازی
- ۱۸- نوشتن عبارت و بند
- ۱۹- نوشتن در قالب‌های مختلف زبانی و ادبی (نظیر وبلاگ‌نویسی)
- ۲۰- گزارش پژوهشی

مهارت‌های خواندن

- ۱- کتاب‌خوانی
- ۲- صامت‌خوانی
- ۳- خواندن ترکیب‌های وصفی و اضافی

مهارت گوش دادن

- ۱- گوش دادن به نوار صوتی
- ۲- گوش دادن انتقادی
- ۳- مهارت توجه به کانون سخن

مهارت‌های تفکر

- ۱- ساخت جمله‌های فی البداهه
- ۲- حدس زدن پایان داستان
- ۳- مرتب کردن مفاهیم ذهنی و عینی
- ۴- طبقه‌بندی مفاهیم ذهنی و عینی
- ۵- بیان احساسات و عقاید در کلاس
- ۶- پیدا کردن راه‌حل مناسب
- ۷- یافتن فکر مرکزی
- ۸- مرتب کردن داستان به هم ریخته
- ۹- تمرین‌های جانشین‌سازی
- ۱۰- تمرین‌های هم‌نشین‌سازی
- ۱۱- پرسش‌های درک مطلب
- ۱۲- درک و یافتن مترادف‌ها
- ۱۳- یافتن متضادها
- ۱۴- یافتن متشابه‌ها

- ۱۵- یافتن هم نویسه ها
- ۱۶- یافتن کلمات معنی دار
- ۱۷- تقویت تخیل
- ۱۸- تقویت تفکر انتقادی

مهارت های عملی

- ۱- ایفای نقش
- ۲- اجرای دستورالعمل از طریق نوشته
- ۳- نمایش فیلم
- ۴- نمایش خلاق
- ۵- نمایش درس
- ۶- نمایش عروسکی
- ۷- نمایش رادیویی
- ۸- نمایش بی کلام (پانتومیم)
- ۹- نقاشی خلاق
- ۱۰- استفاده از فرهنگ لغات
- ۱۱- خودجایگزینی در داستان
- ۱۲- واژه یابی خوشه ای (گسترش شبکه واژگانی)
- ۱۳- بازی واژگانی
- ۱۴- استفاده از لغت نامه در کلاس
- ۱۵- کتاب سازی
- ۱۶- طراحی جدول کلمات
- ۱۷- انجام پژوهش کلاسی

مهارت نقد و تحلیل

- ۱- شناخت دقیق جایگاه واژه در بافت و ارزشیابی واژگان زبان
- ۲- گوش دادن انتقادی برای درک انسجام و پیام
- ۳- نقد و تحلیل شنیده ها و خواننده ها

روش‌های آموزش و اصول یاددهی - یادگیری در برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی دوره اول متوسطه

با توجه به رویکردهای برنامه، در انتخاب روش‌ها و شیوه‌های یاددهی - یادگیری زبان فارسی باید به اصول زیر توجه کرد:

- تأکید بر فعالیت دانش‌آموزان و محول کردن مسئولیت یادگیری به آنان
 - کاهش نقش معلم محوری و افزایش نقش مدیریت و رهبری آنان در فرایند آموزش
 - تأکید و توجه به پرورش روحیه نقادی فراگیران
 - توجه به کارگروهی دانش‌آموزان
 - توجه به تفاوت‌های فردی یادگیری در دانش‌آموزان
 - تلفیق آموزش و ارزشیابی
 - استفاده بهینه از شرایط در جهت آموزش زبان
 - ایجاد فضای نشاط‌آور در کلاس و مدرسه
 - تأکید به تسلط فراگیران در فرایند یادگیری و یاددهی.
- این برنامه برای آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی، تفکر، گسترش گنجینه لغات، شناخت بهتر محیط و آداب زندگی و ایجاد ذوق ادبی در دانش‌آموزان روش‌های زیر را مؤثر می‌داند. توضیح اینکه روش‌های زیر جنبه توصیه‌ای و پیشنهادی دارد و مدارس و معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی می‌توانند از دیگر روش‌ها و فعالیت‌های مناسب با برنامه نیز استفاده کنند:

- ۱- روش تفکر استقرایی
- ۲- روش روشن‌سازی طرز تلقی
- ۳- ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاق
- ۴- روش بحث گروهی
- ۵- روش بدیعه‌پردازی
- ۶- روش تدریس اعضای گروه
- ۷- روش قضاوت عملکرد
- ۸- روش کارایی گروه
- ۹- روش حل مسئله و گره‌گشایی از متن
- ۱۰- روش پرسش و پاسخ

۱۱- روش واحد کار

۱۲- روش گردش علمی

۱- روش پرسش و پاسخ: همان‌طور که از نام این روش بر می‌آید، در این روش معلم پرسش‌های مناسبی را تهیه و آماده می‌کند و آنها را به گونه‌ای در کلاس به کار می‌گیرد که دانش‌آموزان به سمت اهداف برنامه و درس هدایت شوند. در این روش، معلم می‌تواند پرسش‌های فی‌البداهه نیز جهت تکمیل یادگیری طرح کند. نکته مهم این است که مدیریت و هدایت دانش‌آموزان و تنظیم زمان برای پاسخ به پرسش باید مورد توجه باشد.

این روش مهارت‌های گوش دادن، نقد و تحلیل و حافظه‌شنیداری و قدرت بیان را تقویت می‌کند و اگر از نتایج بحث‌ها هم گزارشی تهیه شود، به تقویت چهار مهارت زبانی خواهد انجامید.

۲- روش بحث گروهی: در صورتی که پرسش و پاسخ از حالت دو طرفه بین معلم و دانش‌آموز یا دانش‌آموز و دانش‌آموز درآید و معلم موضوع مشخصی را در کلاس طرح کند تا دانش‌آموزان درباره آن با هم مشورت و اندیشه کنند، روش بحث گروهی به کار گرفته خواهد شد. این روش از جمله روش‌های فعال و مشارکتی در آموزش به شمار می‌رود.

بنابراین دانش‌آموزان در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند و با هدایت معلم به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. اهمیت این روش با توجه به ماهیت زبان و ادبیات فارسی زمانی روشن می‌شود که نمایندگان هر گروه، نظر خود را بیان می‌کنند و ضمن گوش دادن به اظهارات دیگر گروه‌ها، به نقد و تحلیل نیز تسلط می‌یابند. گروه‌بندی مناسب، کنترل زمان، هدایت و رهبری گروه‌ها، طرح موضوعات مناسب و ... از جمله شرایط اساسی برای به کارگیری این روش است.

۳- ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاق: در دوره اول متوسطه، به ویژه در کتاب فارسی به خوبی می‌توان از نمایش و قصه‌گویی مناسب با سن نوجوانی استفاده کرد. برخی از دروس به گونه‌ای سازمان‌دهی شده‌اند که با هدایت معلم می‌توان مفاهیم موردنظر را به صورت عینی و محسوس به نمایش گذاشت.

این روش‌ها اگر با بحث و تبادل نظر و ارزشیابی در کلاس توأم شود، می‌تواند عالی‌ترین اهداف آموزش زبان و ادب فارسی را محقق کند. بخشی از این اهداف عبارت‌اند از: ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم بخشی به افکار و گفتار، پرورش قوه تفکر، استنتاج، رشد و شکوفایی خلاقیت و استعدادهای زبانی و ادبی.

۴- روش گردش علمی: در این روش معلم برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با آثار تاریخی و ادبی و زبانی آنها را به بیرون از کلاس می‌برد تا از نزدیک به مشاهده بپردازند.

دانش آموزان با توضیح و توصیف پدیده‌ها و شنیده‌های خود به صورت گفتاری و نوشتاری به پرورش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی خود دست می‌یابند. می‌توان از آنها خواست تا گزارش تهیه کنند؛ یادداشت برداری کنند؛ اطلاعات حاصله را طبقه‌بندی کنند و زیبایی‌های مشاهده شده را وصف کنند یا آنها را به تصویر بکشند تا بدین ترتیب به پاره‌ای از مهارت‌های نگارشی تسلط پیدا کنند.

۵- روش تفکر استقرایی: از آنجا که تفکر، پیوندی ناگسستنی با هر کدام از مهارت‌های زبانی و ادبی دارد و در روش استقرایی هم تفکر در یک روند متوالی، از آسان به پیچیده سازمان‌دهی می‌شود، استفاده از این روش می‌تواند یک فرایند یادگیری مؤثری را تا حصول نتیجه در دانش آموز ایجاد کند. در جریان تفکر، دانش آموزان اطلاعاتی جمع‌آوری می‌کنند و آنها را طبقه‌بندی می‌کنند و به تفسیر و کشف ارتباط بین یافته‌های خود می‌پردازند. از این روش می‌توان در آموزش نکات املائی، انشایی و در دستور زبان استفاده کرد.

۶- روش بدیعه پردازی: با توجه به اینکه زبان و ادبیات فارسی ماهیتاً با خلق و آفرینش و تولید اندیشه‌های بدیع ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ دارد، از این روش می‌توان برای آموزش انشا و نگارش خلاق استفاده کرد. براساس این روش دانش آموزان با بحث کردن درباره موضوع انشا، قیاس کردن، بیان احساسات خود و ... به تفکر خلاق و پرورش عواطف دست می‌یابند.

۷- روش حل مسئله: در این روش مسئله‌ای مطرح می‌شود که می‌تواند از گرفتاری قهرمان قصه شروع شود. دانش آموزان به توصیف و تبیین مسئله می‌پردازند و راه حل یا راه‌هایی برای آن پیدا می‌کنند. پس از بحث و گفت‌وگو، معلم نظرات خود را درباره حل مشکل قهرمان داستان ارائه می‌دهد. دانش آموزان به بررسی علت وقوع حوادث در قصه‌ها می‌پردازند و ارتباط علت و معلولی وقایع را کشف می‌کنند؛ ایده‌ها و نظرات مختلف را با یکدیگر پیوند می‌دهند و مقایسه می‌کنند و یا نتایج داستان‌ها را پیشگویی می‌کنند. مطالب ذکر شده می‌تواند در دو گونه بیانی یعنی گفتاری و نوشتاری مطرح شود. در دوره متوسطه می‌توان از دانش آموزان خواست تا درباره شنیده‌ها و یا خوانده‌های خود به قضاوت و داوری بپردازند.

۸- روش واحد کار: از این روش می‌توان برای آموزش انشا و فعالیت‌های خارج از کلاس استفاده کرد. بدین ترتیب که دانش آموزان براساس موضوعات تعیین شده به صورت گروهی یا فردی به دنبال جمع‌آوری اطلاعات در خارج از کلاس می‌روند و گزارشی تهیه می‌کنند، سپس این گزارش را در کلاس عرضه می‌کنند. موضوعاتی از قبیل سرگذشت شاعران، نویسندگان، شخصیت‌های علمی، اجتماعی و مذهبی، می‌تواند برای استفاده از این روش مدنظر باشد. این روش می‌تواند برای تقویت حس پژوهش و تقویت مهارت‌های جست‌وجوگری مؤثر باشد.

۹- روش کارایی گروه: دانش‌آموزان را به گروه‌هایی تقسیم می‌کنند و هر یک از اعضای گروه، تکلیف مشخص شده را به‌طور انفرادی می‌خواند، بعد به سؤال‌های آزمون که در اختیار او قرار می‌دهند، پاسخ می‌دهد، سپس در گروه نیز درباره پاسخ‌های خود گفت‌وگو می‌کنند و دلایل انتخاب یا رد آن را ارزیابی می‌کنند. در مرحله بعد، کلید سؤال‌ها در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد و اعضای گروه درک عمیقی از بهترین پاسخ به‌دست می‌آورند. بعد از آن اعضای گروه پاسخ‌های فردی و گروهی را نمره‌گذاری و نمره مؤثر بودن یادگیری را محاسبه می‌کنند. از این روش در کلاس‌های فارسی و در تدریس حوزه‌های مختلف از قبیل متن درس‌ها، انجام تمرین‌ها، املا و انشا، دستور و آرایه‌ها می‌توان بهره گرفت.

۱۰- روش تدریس اعضای تیم: این طرح، این امکان را می‌دهد که مقدار زیادی از موضوع درسی، طی یک دوره زمانی کوتاه با مطالعه گروه، تحت پوشش قرار گیرد. در انتخاب متن مورد تدریس باید در نظر داشت که متن به بخش‌های مستقل از یکدیگر قابل تقسیم باشد. بخش‌ها نیز از نظر طول و دشواری تقریباً برابر باشند. دانش‌آموز یک بخش موضوع تعیین شده را مطالعه می‌کند، سپس با هم‌تاهای خود که مسئول بخش مشترکی هستند، دور هم جمع می‌شوند و برای رفع اشکال‌های خود تبادل نظر می‌کنند. آنها دوباره به گروه خود برمی‌گردند و به ترتیب از اول بخش تا آخر بخش را به نوبت تدریس می‌کنند.

۱۱- روش قضاوت عملکرد: در این طرح کسب درک روشنی از معیارها، آنان را قادر می‌سازد تا درباره کیفیت کار خویش قضاوت کنند. در این صورت می‌توانند تا حدودی از ارزیابی کارشناسان توسط دیگران بی‌نیاز شوند. سپس هر شخص کار خویش را ارائه می‌دهد. اعضای گروه، کار هر فرد را با دیگری و با معیارهایی که فراگرفته‌اند، مقایسه می‌کنند. هر فرد، انتقادهایی را که به کارش شده است، دریافت می‌کند؛ مثلاً معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا ویژگی‌های یک شعر خوب را بیان و جمع‌بندی کنند. پس از بیان نظرات مختلف توسط گروه‌ها، معلم معیارهای علمی را ارائه می‌دهد و بدین ترتیب آنها عملکرد خود را مورد تجدیدنظر و ارزیابی قرار می‌دهند.

۱۲- روش روشن‌سازی طرز تلقی: اولین مرحله در روشن‌سازی طرز تلقی، به فراگیران کمک می‌کند تا آنان با پاسخ دادن به یک سؤال و یا تکمیل یک جمله، طرز تلقی خود را ارزیابی کنند؛ سپس فراگیران دور هم جمع می‌شوند تا این طرز تلقی را بررسی کنند و به کمک شرایط شناخته شده و اطلاعاتی که در اختیار دارند روی بهترین طرز تلقی به توافق برسند، سپس هر فرد، پاسخ خود را ارائه می‌دهد تا ارزیابی شود. طرز تلقی افراد پس از بحث نیز ارزیابی می‌شود تا مشخص شود که آیا تغییری رخ داده است یا خیر. این روش فراگیران را قادر می‌سازد که کشف کنند: «آیا طرز تلقی آنها بر یک پایه محکم از حقایق، اطلاعات و منطق استوار است؟»

روش‌های خواندن

با توجه به اینکه هدف این برنامه، تقویت و پرورش مهارت‌های زبانی و ادبی است، پیشنهاد می‌شود در به‌کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری به روش‌های خواندن نیز توجه شود. الف) روش بلندخوانی، ب) روش صامت‌خوانی: ۱- دقیق خوانی ۲- خواندن تجسمی ۳- خواندن انتقادی ۴- خواندن التذازی ۵- خواندن مروری (کل خوانی)

الف) روش بلندخوانی: بلندخوانی در شروع خواندن روشی مؤثر است؛ زیرا در آن از دو فرایند ادراکی یعنی تمیز شنیداری و تمیز بصری استفاده می‌شود، اما در دوره متوسطه با توجه به آموزش‌های دوره ابتدایی و ویژگی‌های شناختی دانش‌آموزان بهتر است از شیوه‌های مختلف صامت‌خوانی استفاده شود. این روش برای تندخوانی و مطالعه صحیح مفید است.

ب) روش صامت‌خوانی: روش‌هایی که در زیر می‌آید، بیشتر مبتنی بر صامت‌خوانی‌اند:

۱- دقیق خوانی: در این نوع خواندن دانش‌آموز به درک کامل متن خواندنی و نگهداری آن به‌طور منظم در حافظه می‌رسد. او به افکار اصلی نویسنده پی می‌برد، به ارتباط بین مطالب می‌پردازد؛ خلاصه متن را بیان می‌کند و از آن نتیجه‌گیری می‌کند. معلم برای سنجش این نوع خواندن صامت می‌تواند از متن سؤالاتی کند که مفاهیم متن را مورد سنجش قرار دهد.

۲- خواندن تجسمی: هدف از این نوع خواندن درک عمیق‌تر، تحریک حس کنجکاوی و مشارکت فعالانه در مطالعه است. برای رسیدن به اهداف مذکور لازم است قبل از مطالعه، سؤالاتی از متن انتخاب شود تا از این طریق، ذهن دانش‌آموز هنگام مطالعه به سمت یافتن پاسخ‌ها هدایت شود.

۳- خواندن انتقادی: در این روش دانش‌آموزان متن درس را مطالعه می‌کنند، سپس درباره ویژگی‌های متن و نوع نوشته و سبک نویسنده یا شاعر و قالب درس بحث و گفت‌وگو می‌کنند و در پایان نظر نهایی خود را نسبت به متن خوانده شده ارائه می‌دهند.

در این روش، دانش‌آموز به تجزیه و تحلیل مطالب، ارزش‌گذاری و قضاوت مطالب و برقراری ارتباط بین جوانب مختلف مطالب می‌پردازد.

۴- خواندن التذازی: خواندن برای درک زیبایی‌ها، روش مؤثری برای پرورش حس زیبایی‌شناسی و تقویت ذوق ادبی است. بهتر است دانش‌آموز بیشتر به دنبال یافتن زیبایی‌های موجود در نثر و شعر باشد؛ مانند یافتن تشبیهات، ضرب‌المثل‌ها، وزن و قافیه، موسیقی موجود در شعر و ...

با توجه به اینکه یکی از اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی تلطیف عواطف و التذاذ ادبی است، در متون هنری و ادبی مانند اشعار برتر و متن‌های تأثیرگذار داستانی و ادبی به این نوع خواندن تأکید

می‌شود. معلم می‌تواند به تناسب سرفصل‌ها و عناوین دروس قطعات زیبایی از نظم و نثر را انتخاب و در کلاس با لحن و آهنگی مناسب قرائت کند. در این نوع خواندن باید متونی ارائه شود که با آن التذاذ و پرورش ذوق ادبی عملی شود.

۵- خواندن مروری (کل خوانی) : در این شیوه، خواننده با اندکی تورق برای به دست آوردن اطلاعات مهم و مرور سریع نوشته‌ها در کمترین زمان، عناوین اصلی و واژگان کلیدی را از نظر می‌گذراند تا با ساختار کلی اثر آشنا شود.

تفاوت خواندن با روخوانی

روخوانی همان بیان کلمات از روی نوشته است که در آن هیچ ارتباطی بین کلمات و درک و دریافت وجود ندارد؛ یعنی فرد آنچه را آموخته، تنها به زبان می‌آورد. در حالی که خواندن علاوه بر بیان نوشته‌ها که به درک و فهم خواننده می‌انجامد، منجر به برانگیخته شدن احساسات مخاطب نیز می‌شود، به طور کلی در روخوانی فرد فقط می‌خواند و مخاطب فقط می‌شنود؛ اما در خواندن، خواننده متن را با توجه به موضوع و محتوای آن به گونه‌ای می‌خواند که مخاطب علاوه بر شنیدن، درک می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

عمل خواندن از سه فعالیت عمده و اساسی تشکیل می‌شود. اولین فعالیت فرد در امر خواندن، دیدن کلمات و فعالیت دوم، تشخیص و تلفظ کلمات است. سومین عمل، درک معنی مطالب خوانده شده است :

۱- دیدن نماد بصری و خطی ۲- تشخیص و خوانش ۳- دریافت معنی

این سه نوع فعالیت به یکدیگر وابسته‌اند و مکمل هم هستند، ولی معمولاً آنها را در تعلیم خواندن، برای سهولت بیشتر و بالا بردن کارایی و همچنین برای کمک به تکمیل هر سه نوع فعالیت، از یکدیگر مجزا می‌کنند و به صورت مهارت‌های مشخص و جدا از یکدیگر مورد توجه قرار می‌دهند.

گوش دادن (دریافتی / ادراکی) سواد شنیداری

در ابتدا باید دانست که شنیدن با مهارت گوش دادن تفاوت‌های زیادی دارد؛ زیرا در شنیدن فرد به طور ناخواسته جمله‌ها را می‌شنود و هیچ‌گونه توجهی به آنها ندارد؛ در حالی که در گوش دادن، انسان به طور ارادی و با دقت به سخنان گوینده توجه کرده، سعی دارد آنها را درک کند و به آنچه می‌شنود، اهمیت دهد. برای تقویت مهارت گوش دادن باید به نکات زیر توجه کرد :

۱- دقت و تمرکز در شنیده‌ها

۲- درک گفته‌های دیگران

۳- درک پیام اصلی متن

۴- دقت در لحن‌ها و تکیه‌های سخن دیگران (زیر و بمی و کشش‌های آوایی)

۵- توانایی تحمل سخن دیگران

۶- شناخت موسیقی کلمات برای ایجاد مکث‌ها و درنگ‌ها

گوش دادن از این رو که ذهن و زبان شنونده را فربه و فراخ دامن می‌سازد و توانایی درک و دریافت او را می‌پرورد، مهارتی ادراکی است. توانایی فرد در گوش دادن دقیق و منظم به سخنان گوینده، مهارتی است که می‌توان از آن برای انتقال افکار و عقاید استفاده کرد. دقت و تمرکز حواس، دو عمل ضروری در گوش دادن است که آن را از «شنیدن» متمایز می‌گرداند. در حقیقت دو گوش انسان، دو درگاه و آستانه دریافت و پذیرش سخنان و نواهای پیرامونی است و چونان بستر دو رود هستند که به دریای ذهن و زبان آدمی مدد می‌رسانند و آن را زنده، زایا و گوارا و پرمایه نگه می‌دارند و بر شکوفایی و گسترش دامنه فکر و خیال می‌افزایند. بدان‌سان که «مولانا» در دفتر ششم مثنوی معنوی فرموده است:

تا خیال و فکر خوش بروی زند	فکر شیرین مرد را فربه کند
جانور فربه شود لیک از علف	آدمی فربه ز عزا است و شرف
آدمی فربه شود از راه گوش	جانور فربه شود از حلق و نوش

(مولوی، ۱۳۷۶: بیت ۲۸۹ تا ۲۹۱)

البته همین معنا را پیش از این، عارف بزرگ قرن پنجم، هجویری، در «کشف المحجوب» آورده و از پنج حس به نام پنج در علوم، یاد کرده است:

«کلیت علوم را حصول، ازین پنج در بود: یکی دیدن و دیگر شنیدن، سوم چشیدن، چهارم بویدن، پنجم بسودن، و این پنج حواس، سپاه سالاران علم و عقل اند».

بنابراین برای مهندسی ساختمان زبان‌آموزی، گام‌های زیر را باید پیمود:

گام نخست: تربیت سواد دیداری (چشم)

گام دوم: تربیت سواد شنیداری (گوش)

گام سوم: پرورش و تربیت سواد پساوایی (وحس‌های دیگر)

گام چهارم: پرورش تخیل و تفکر (ذهن)

گام پنجم: تربیت پرسشگری و کنجکاوی (هوش)

گام ششم: پرورش چه، چگونه و چه هنگام سخن گفتن (زبان)

با گسترش بهنای این درجه‌ها و فربه‌سازی فراخنای ذهن و زبان، دنیای فریبای ادبیات رخ می‌نماید.

لحن‌های زبان فارسی

لحن یعنی آواز خوش و موزون، نوا، کشیدن صدا یا اجتماع حالت‌های صداهاى مختلف. (دهخدا)، لحن، نحوه خواندن و بیان کردن جملات است با توجه به شرایط موجود و فضای حاکم بر جمله و کل متن. باید دانست که هنگام ادا کردن متن و به لفظ درآوردن آن، نه تنها هر متن، لحن خاص خود را اعم از طنز یا جد می‌طلبد، بلکه هر بند (پاراگراف) و هر جمله نیز به تنهایی لحن خود را دارد و ممکن است در هر بند انواع و اقسام لحن‌ها و حالات به کار گرفته شود و در کنار این موارد در هر جمله، هر کلمه نیز می‌تواند شکل و آوای خاص خود را داشته باشد. به عنوان مثال در شعرها، قافیه‌ها و ردیف‌ها در انواع مختلف، آوای متفاوت و تلفظ‌های گوناگون را می‌طلبد و یا ممکن است تأکید شاعر یا نویسنده در هر جمله کوتاه روی کلمه‌ای خاص باشد که با رعایت لحن کامل و علائم نگارشی و احوال نویسنده شکل خاصی به خود می‌گیرد.

انواع لحن و آهنگ‌های کلی زبان فارسی را می‌توان عبارت از موارد زیر دانست:

لحن ستایشی

ستایش مخصوص خداوند است و شاعر یا نویسنده در آن خداوند را به خاطر آفرینش بی‌همتا، قدرت بی‌ظنیر و الطاف فراوانش می‌ستاید. در این هنگام خواننده نیز باید خود را موجودی از آفریده‌های او بداند که تسلیم او و شاکر بخشش‌ها و آفرینش اوست، مانند مثال‌های زیر:

آفرین جان‌آفرین پاک را	آن که جان بخشید و ایمان خاک را
آسمان چون خیمه‌ای بر پای کرد	بی‌ستون کرد و زمینش جای کرد

(عطار، ۱۳۷۷: ۱)

لحن مدح

مدح، نوشته‌ای درباره انسان است که شاعر از طریق آن، با کوچک‌تر دانستن خود در مقابل ممدوح به بیان مطالبی می‌پردازد. مدح‌ها نیز به پیروی از ستایش‌ها شکل گرفته‌اند و در آنها همان حالات باید رعایت شود؛ اما با ستایش اختلاف دارد، زیرا در ستایش شاعر یا نویسنده آزادانه‌تر می‌تواند حرف خود را بزند اما در مدح‌ها، به ویژه مدح حاکمان، این کار امکان‌پذیر نیست.

مدح را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) مدح یا ستایش یا نعت و منقبت پیامبر (ص) یا ائمه

ب) مدح سلاطین و شاهان و امیران

پ) مدح یا ستایش بزرگان، مشاهیر، برجستگان

مدح بزرگان دینی و مذهبی چون پیامبر (ص) و امامان (ع) که در آن شاعر خود را از مریدان آنها می‌داند و زندگی اش را وابسته به وجود و اعتقاد به آنها می‌داند تا جایی که حاضر است جان فدایشان کند. گفته‌های آنان را بسیار با اهمیت می‌داند، در این مورد شاعر ممدوح را فردی فرانسائی می‌داند و چهره و قامتش را در دنیا زیباترین می‌پندارد، کارها و اعمالش را نیز کارهایی خارق‌العاده می‌شمارد و به بیان معجزات و کرامات او می‌پردازد :

محمد کافرینش هست خاکش	هزاران آفرین بر جان پاکش
چراغ افروز چشم اهل بینش	طراز کارگاه آفرینش
سر و سرهنگ میدان بلا را	سپهسالار و سرخیل انبیا را
ریاحین بخش باد صبحگاهی	کلید مخزن گنج الهی

(نظامی، ۱۳۸۲ : ۱۲۹)

علی آن شیرخدا، شاه عرب	الفتی داشته با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است	دل شب محرم سر الله است
فجر تا سینه آفاق شکافت	چشم بیدار علی خفته نیافت
ناشناسی که به تاریکی شب	می‌برد شام تیمان عرب
عشق بازی که هم آغوش خطر	خفت در خوابگاه پیغمبر

شهریار

لحن روایی

به طور کلی به هنگام خواندن حکایات باید :

- ۱- موضوع و محتوا و فضای کلی متن را در نظر گرفت و لحن خاصی را برگزید.
- ۲- آن را شبیه تعریف کردن یک واقعه یا حادثه پندآموز یا طنز خواند.
- ۳- سجع‌ها را رعایت کرد و تأکید جملات را روی آنها گذاشت.
- ۴- اشعار داخل حکایات را با لحنی مناسب آن خواند.
- ۵- علائم نگارشی را دقیق رعایت کرد تا تأثیر کلام بیشتر شود.

- ۶- چون فردی که از قضیه آگاه است، با آرامش و اطمینان آن را خواند.
- ۷- با سکون‌ها و سکوت‌ها بر تأثیر کلام افزود.
- ۸- به گونه‌ای خواند که شنونده مشتاق و منتظر شنیدن بقیه ماجرا باشد.
- ۹- سرعت خواندن حکایات کمتر از دیگر نوشته‌ها باشد.
- ۱۰- نگاه خواننده در حین خواندن به فهم مخاطبان یاری رساند.
- ۱۱- در میان لحن‌روایی به تغییرهای مناسب آهنگ به تناسب شخصیت‌ها توجه کرد.
- ۱۲- با رعایت دقیق فراز و فرودهای آوایی در لحن‌روایی متناسب با جریان داستان، حالت کشش و انتظار را در شنونده برانگیزانیم و با ایجاد گسست‌های آوایی و وصل و درنگ‌های مناسب، او را به گوش دادن ترغیب کنیم.

لحن تعلیمی (اندرزی)

این لحن که به لحن اندرزی نیز موسوم است، تلاش می‌کند با گویشی آرام و آهسته، در دل شنونده نفوذ کند و نکات مهم خوب زیستن را به مخاطب خود القا کند. در ایران این گونه نوشته بیشتر برای پند و اندرز به کار می‌رود. نویسنده این گونه متون، خود را به جای انسانی آگاه می‌گذارد و از زبان او که بیشتر شبیه پدران، مادران یا معلمان دلسوز است، با مخاطب خود سخن می‌گوید، به همین دلیل لحن متن‌های تعلیمی، لحنی پدرا نه، مادرا نه است و خواننده آن نیز باید هنگام خواندن، خود را پدر یا معلمی فرض کند که می‌خواهد نکاتی را به فرزندان یا دانش‌آموزانش بگوید. در این گونه اشعار نیز ممکن است با لحن‌های گوناگون مواجه شویم. به این اشعار توجه کنید:

ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده! افتادگی کن چو خاک
حریص و جهان‌سوز و سرکش مباش ز خاک آفریدنت، آتش مباش

(سعدی، ۱۳۷۶: ۱۸۹)

این ابیات لحنی واعظانه و اندکی حالت تحکمی دارد؛ یعنی انسانی روحانی خطاب به دیگران، آنها را با جملات امری به پرهیز از کارهای زشت (نهی از منکر) و انجام کارهای نیک (امر به معروف) سفارش می‌کند. در این گونه اشعار، لحن گوینده بسیار محکم و کوبنده است و خواننده چنان با شور و حرارت سخن می‌گوید که گویا از عاقبت انسان خطاکار کاملاً آگاه است و دلش به حال او می‌سوزد.

لحن مناجات

مناجات به معنی راز و نیاز گفتن و نیایش با خداوند است. انسان در این زمان خود را بسیار کوچک فرض کرده، آنچه را که در حضور دیگران نمی‌تواند بیان کند، با آه و زاری یا شکر و سپاس بیان می‌کند. در این گونه از اشعار، شاعر چیزهایی معنوی از خدای خود طلب می‌کند و از او می‌خواهد که عاقبت به خیرش کند. لحن مناجات آکنده از عاطفه و احساس و بیانگر حالت فروتنی و خاکساری و تواضع بنده است.

خداوندگارا نظر کن به جود	که جرم آمد از بندگان در وجود
گناه آید از بنده خاکسار	به امید عفو خداوندگار
کریم! به رزق تو پرورده‌ایم	به انعام و لطف تو خو کرده‌ایم
گدا چون کرم بیند و لطف و ناز	نگردد ز دنبال بخشنده باز
چو ما را به دنیا تو کردی عزیز	به عقبی همین چشم داریم نیز
عزیزی و خواری تو بخشی و بس	عزیز تو خواری نبیند ز کس
خدایا به عزت که خواریم مکن	به ذل گنه شرمسارم مکن

(بوستان سعدی، ۱۳۸۲: ۱۹۳)

هنگام خواندن نیایش‌ها و مناجات باید:

- ۱- حس و حال عمومی حاکم بر فضای نیایش، حفظ شود.
- ۲- حالت خشوع و خضوع در آهنگ کلام رعایت گردد.
- ۳- لحن ملایم و متین که بیانگر ادب در پیشگاه خدای رحمان است، حفظ گردد.
- ۴- به کشش‌ها و زیر و بمی حروف و صداها برای تأثیرگذاری بیشتر توجه گردد.

لحن توصیفی

توصیف یعنی وصف کردن و بیان جزئیات و ویژگی‌ها یا آوردن صفات و قیده‌های حالت پیاپی برای چیزهایی که قرار است برای شنونده بازگو کنیم. این صفت‌ها می‌توانند یا به ظاهر افراد و اشیا پردازند یا به حالات مختلف رفتاری یا حرکات او مانند:

دیدمش خرم و خندان، قدح باده به دست و اندر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد

(حافظ، ۱۳۸۲: ۱۹۳)

در توصیف، نویسنده چیزی را که می‌بیند، با شور و حال فراوان و با استفاده از آرایه‌هایی چون تشبیه و تشخیص به زبان می‌آورد. در تشبیه، نویسنده با تخیل خود می‌کوشد میان چند چیز شباهتی ایجاد کند و با این کار شنونده را به شگفتی وادارد؛ مثلاً در بیت‌های زیر منوچهری دامغانی با تشبیه کردن قطره باران به اشک عروس و تشبیه برگ گل به صورت او، هنر خود را به نمایش گذاشته است :

آن قطره باران که برافتد به گل سرخ
چون اشک عروسی است برافتاده به رخسار

روش دیگر شاعران و نویسندگان در توصیف کردن، استفاده از جان بخشیدن به اشیا (تشخیص) است. در این هنگام نویسنده همه چیز را زنده و مانند انسان می‌بیند و کارها، گفته‌ها و حرکات یا اعضای انسانی به آنها می‌بخشد.

شعر زیر از ملک الشعراى بهار سرشار از جان‌بخشی به کوه دماوند است :

ای دیو سپید پای دریند	ای گنبد گیتی ای دماوند
از سیم به سر یکی کله خود	ز آهن به میان یکی کمر بند
تا چشم بشر نبیندت روی	بنهفته به ابر چهر دل بند
چون گشت زمین ز جور گردون	سرد و سیه و خموش و آوند
بنواخت ز خشم بر فلک مشت	آن مشت تویی، تو، ای دماوند
نی، نی، تو نه مشت روزگاری	ای کوه نی‌ام ز گفته خرسند
تو قلب فسرده زمینی	از درد ورم نموده یک چند

توصیف معمولاً برای انسان‌ها، اشیا، طبیعت و عناصر آن چون درخت و سبزه و گل، دریا و کوه و جنگل است :

در خواندن چنین متن‌هایی باید به نکات زیر توجه داشت :

۱- لحن توصیف می‌تواند در کنار دیگر لحن‌ها کامل شود؛ یعنی توصیف چیزی مثبت یا باشکوه با توصیف زشتی‌ها و پلیدی‌ها متفاوت است.

۲- در لحن توصیفی آهنگ کلام، معمولاً نرم است و آرامش خاصی دارد.

۳- هنگام خواندن، دقت نظر و عنصر تخیل، نقشی مهم دارند.

۴- این لحن از نظر فضای کلی آهنگ سخن، به لحن روایی نزدیک است.

ر.ک : «مبانی خواندن در زبان فارسی»

عوامل مورد توجه در یادگیری

یادگیری تغییرات نسبتاً ثابت و پایداری در رفتار بالقوه فرد در اثر تجربه است.

عواملی که باید در یادگیری بدان توجه کرد:

۱- آمادگی از نظر جسمی، عاطفی و عقلی

۲- انگیزه و هدف: انگیزه از لحاظ تأثیرش همیشه به هدفی متوجه است. نیمی از وظایف معلم

ایجاد رغبت در دانش‌آموزان است و هدف به فعالیت انسان جهت و نیرو می‌دهد.

۳- تجارب گذشته: یک فرد زمانی می‌تواند مفاهیم و مسائل جدید را درک کند که مفهوم و

مسئله جدید با ساخت شناختی او مرتبط باشد.

۴- موقعیت و محیط یادگیری: امکانات محیط آموزشی، اعم از نیروی انسانی و تجهیزات،

وضع اجتماعی و اقتصادی خانواده، نگرش والدین و مریدان نسبت به تحصیل و آموزشگاه و عوامل

محیطی دیگر بر کیفیت و کمیت یادگیری دانش‌آموزان مؤثر است.

۵- روش تدریس معلم: روش تدریس معلم و نگرش او می‌تواند در فرایند فعالیت‌های آموزش

و در نهایت بر روند یادگیری تأثیر گذارد. اگر معلم به نظریه‌ها و اصول یادگیری آشنا نباشد و تدریس

را فقط انتقال واقعیت‌های علمی بداند و تجارب یادگیری را منحصر به حفظ کردن مطالب نوشته در

کتاب تصور کند، مسلم است در تقویت کنجکاوی و پرورش استعداد و تفکر علمی دانش‌آموزان چندان

موفقیتهایی به دست نمی‌آورد.

۶- رابطه کل و جزء: مطالعه جزئیات بدون در نظر گرفتن رابطه آنها با هم و همچنین رابطه آنها

با کل موجب پریشانی فکر می‌شود.

۷- تمرین و تکرار: تأثیر تمرین و تکرار در کل فرایند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن به ویژه

در حیطه روانی حرکتی انکارناپذیر است؛ اما باید شرایط و ویژگی خاصی داشته باشد، از جمله باید

منظم و مرتب و در شرایط طبیعی و واقعی انجام پذیرد.

۸- احساس نیاز: دانش‌آموز باید از ناکافی بودن دانش و مهارت‌های فعلی خویش آگاه شود تا

با انگیزه و رغبت بیشتر به تحصیل پردازد.

۹- دانستن تصور روشن از دانش و مهارت‌هایی که باید کسب شود. اگر دانش‌آموز بداند که

یادگیری جدید او به چه دانش و مهارتی منتهی می‌شود، یادگیری برای او هدف‌دارتر می‌شود. در اینجاست

که نقش هدف‌های رفتاری ظاهر می‌گردد. در این باره معلم باید هدف‌های رفتاری هر درس را با دقت بیان

کند و دانش‌آموزان را از تغییراتی که در اثر آموختن در دانش و مهارت آنان حاصل می‌شود، آگاه گرداند.

۱۰- **آگاهی از پیشرفت:** معلم باید دائماً دانش‌آموز را از میزان پیشرفت او در درس مطلع گرداند، زیرا دانش‌آموز هنگامی که احساس کند در حال پیشرفت است، برای ادامه یادگیری شوق و انگیزه بیشتری می‌یابد.

۱۱- **توجه و دقت:** توجه، مقدمه ادراک، یادگیری و تفکر است.

تدریس یک فعالیت است؛ فعالیتی آگاهانه که بر اساس هدفی خاص و بر پایه وضع شناختی فراگیران انجام می‌گیرد. در هر صورت اگر یادگیری را «تغییر در رفتار فراگیر در اثر تجربه» بدانیم، بدون شک فعالیتی که موقعیت را برای کسب تجربه آسان کند و تغییر لازم را سبب شود، تدریس نام دارد و در نتیجه عمل تدریس یک سلسله فعالیت‌های مرتب، منظم، هدف‌دار و از پیش طراحی شده است.

عوامل مؤثر در تدریس: تدریس یک فرایند است و عوامل بی‌شماری در آن نقش دارند که همه آنها قابل مطالعه و کنترل نیستند.

عواملی همچون شخصیت معلم، زمینه‌های علمی و تجربی او در روابط اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموزان، زمینه‌های علمی و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان، اهمیت موضوع درس، قوانین و مقررات نظام آموزش و به‌طور کلی جامعه‌ای که معلم و دانش‌آموز در آن زندگی می‌کنند، در کیفیت تدریس معلم تأثیر می‌گذارد.

باید در نظر داشت معلم در ایجاد موقعیت مناسب یادگیری، قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست؛ اما تا حدی می‌تواند با تعیین هدف‌های صریح اجرایی و اتخاذ الگو و روش‌های مناسب تدریس و تهیه و به‌کارگیری تجهیزات لازم و ایجاد نوعی ارتباط سالم با دانش‌آموزانش، کیفیت تدریس خود را متحول کند.

الگوی تدریس چیست؟

الگوی تدریس، چارچوب ویژه‌ای است که عناصر مهم تدریس در آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می‌تواند معلم را در اتخاذ روش‌های مناسب تدریس کمک کند. تدریس یک فرایند است و چنان که گفته شد، عوامل بی‌شماری در آن نقش دارند که همه آنها قابل مطالعه و کنترل نیستند، پس معلم باید چارچوب کوچکی از فرایند تدریس را به‌عنوان الگو انتخاب کند. یک نمونه الگوی عمومی و دو نمونه از الگوهای خاص تدریس عبارت‌اند از:

۱- الگوی پیش سازمان دهنده

۲- الگوی حل مسئله

الگوی عمومی تدریس

این الگو نخستین بار توسط رابرت گلنزر در سال ۱۹۶۱ مطرح شد و بعدها راجر رابینسون در سال ۱۹۷۱ تغییراتی در آن به وجود آورد. این الگو در عین سادگی فرایند تدریس را به خوبی توصیف می کند و به معلم در سازمان دادن فرایند تدریس کمک می کند.

در الگوی عمومی تدریس فرایند تدریس را می توان به پنج مرحله تقسیم کرد :

مرحله اول: تعیین هدف های تدریس و هدف های رفتاری

معلم قبل از تدریس اطلاعات، مفاهیم، اصول و سایر مطالب و محتوای درس را به صورت هدف های کاملاً صریح و روشن مشخص می کند.

مرحله دوم: تعیین رفتار ورودی (آموخته های گذشته و ...) و ارزشیابی تشخیصی (تعیین توانایی های فراگیران) که همان تشخیص میزان آمادگی فراگیران است.

مرحله سوم: تعیین شیوه ها و وسایل تدریس

در این مرحله معلم باید شیوه ها و وسایل تدریس خود را با توجه به مفاهیم درس، شرایط و امکانات و ویژگی های فراگیران انتخاب کند.

مرحله چهارم: سازماندهی شرایط و موقعیت آموزشی

معلم باید قادر باشد که با ابتکار و خلاقیت، حداکثر استفاده را از امکانات موجود، در تدریس و تحقق هدف های آموزشی به کار ببرد.

مرحله پنجم: ارزشیابی و سنجش عملکرد

مرحله نهایی این الگو به ارزشیابی میزان یادگیری دانش آموزان پس از پایان تدریس اختصاص دارد.

الگوی پیش سازمان دهنده

پیش سازمان دهنده، یک مطلب یا مفهوم کلی است که در مقدمه تدریس می آید تا مباحثی را که به دانش آموزان ارائه می شود، با مباحث پیشین همان درس مربوط سازد و در عین حال پایه ای برای ارتباط مفاهیم بعدی با مفاهیم پیشین شود و دانش آموز بتواند تمام مباحث درس را به صورت یک ساخت منظم و سازمان یافته در ذهن خود جای دهد.

ویژگی‌های الگوی پیش‌سازمان‌دهنده :

۱- مراحل اجرای الگوی پیش‌سازمان‌دهنده: گام اول در این الگو مطالب پیش‌سازمان‌دهنده

است که کلی است. گام دوم، ارائه مطالب و مفاهیم درس جدید است. در گام سوم، باید مثال‌ها و نمونه‌هایی برای تفهیم بیشتر مطالب جدید آورده شود و سرانجام مثال‌ها باید به گونه‌ای ارائه شود که با مفهوم پیش‌سازمان‌دهنده مرتبط شوند؛ مثلاً معلمی که می‌خواهد اندام‌های تولیدمثل گیاه را درس بدهد، او درس را مستقیماً از خود موضوع شروع نمی‌کند، بلکه درس را با این مفهوم که «تمام جانداران پرباخته برای بقای نسل تولیدمثل می‌کنند» آغاز می‌کند. پس از یادآوری و تشریح چگونگی تولیدمثل در جانداران، موضوع درس جدید، پرچم و مادگی چند گل معروف و آشنا را مستقیماً یا به وسیله اسلاید نشان می‌دهد.

معلم در بیان تولیدمثل جانداران، سعی می‌کند با استفاده از اطلاعات و آگاهی‌های دانش‌آموزان فهم مطالب جدید را آسان سازد؛ زیرا دانش‌آموزان در جلسات گذشته با مفاهیم تولیدمثل جانداران آشنا شده‌اند. در واقع او با بیان تولیدمثل جانداران، پایگاهی ذهنی برای فهم درس جدید در ساخت شناختی دانش‌آموز ایجاد می‌کند. این پایگاه، نقش پیش‌سازمان‌دهنده را به عهده دارد.

۲- چگونگی کنش و واکنش معلم نسبت به دانش‌آموزان در الگوی پیش‌سازمان‌دهنده :

معلم نقش ارائه‌کننده مفاهیم پیش‌سازمان‌دهنده و مطالب درسی را دارد و دانش‌آموزان، دریافت‌کننده و پذیرنده مطالب درسی‌اند. معلم باید برای ارائه مطالب درسی مناسب‌ترین پیش‌سازمان‌دهنده را انتخاب کند و مطمئن شود که دانش‌آموزان آن پیش‌سازمان‌دهنده را درک کرده‌اند و می‌توانند آن را با مطالبی که بعداً عرضه می‌شود، ربط دهند.

معلم می‌تواند برای فعال‌تر کردن دانش‌آموزان از وسایل مختلف آموزشی کمک بگیرد و باعث برانگیختن ذهن و توجه آنان شود. همچنین با مطرح ساختن پرسش‌هایی، دانش‌آموزان را به اندیشیدن درباره مطالب درس تشویق کند. جهت ارتباط از طرف معلم به سوی دانش‌آموز یا دانش‌آموزان است.

۳- روابط میان گروهی در الگوی پیش‌سازمان‌دهنده: در این الگو، به دلیل یک سو به بودن

جهت انتقال، اطلاعات از معلم به دانش‌آموزان منتقل می‌شود و در نتیجه، امکان کشف و جست‌وجوی مفاهیم برای دانش‌آموزان محدود می‌شود.

۴- در این الگو معلم با فرد فرد فراگیران ارتباط پیدا می‌کند ولی این ارتباط یک طرفه است؛

یعنی دانش‌آموزان معمولاً با او و با یکدیگر ارتباط ندارند. در واقع معلم بر کلاس مسلط است. برای افزایش روابط میان گروهی، معلم می‌تواند با طرح پرسش‌هایی راهنمایی‌کننده، فراگیران

را به شرکت در بحث‌های کلاس علاقه‌مند کند و از این راه، امکان ارتباط بیشتر آنان را با یکدیگر فراهم سازد.

۵- شرایط و منابع لازم در الگوی پیش‌سازمان‌دهنده: در این الگو، معلم و کتاب و کلاس درس فقط منابع و شرایط آموزشی هستند. شرط اصلی به کار بردن این الگو، وجود معلمی است که از روش‌ها و شگردهای مناسب برای تدریس، طبق الگوی پیش‌سازمان‌دهنده آگاهی داشته باشد. محاسن و محدودیت‌های این الگو: الگوی پیش‌سازمان‌دهنده در نظام‌های آموزشی فقیر که معلمانی با تجربه ولی امکانات آموزشی محدود دارند، الگوی مناسبی است. در این الگو از یک زمان آموزشی محدود می‌توان استفاده کرد و گروه‌کنیری از دانش‌آموزان با کمترین امکانات آموزشی درس را می‌آموزند. این الگو برای دروس نظری مناسب است. در این الگو چون معلم گیرنده فعالیت آموزشی است، دانش‌آموزان در فعالیت آموزشی نقشی ندارند.

در چنین الگویی، محتوا با زندگی واقعی دانش‌آموزان چندان ارتباطی ندارد؛ به همین دلیل اگر آنان مواد مورد نظر را آموختند و امتحان دادند، هدف آموزشی تأمین شده است. همچنین در این الگو به مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان کمتر توجه می‌شود و رضایت خاطر آنان چندان مورد توجه نیست.

الگوی حل مسئله

دانش‌آموزان در یادگیری از طریق حل مسئله با بهره‌گیری از تجارب و دانسته‌های پیشین خود، درباره رویدادهای محیط خود می‌اندیشند تا مشکلی را که با آن مواجه شده‌اند، به نحو قابل قبولی حل کنند. مدرسه مطابق الگوی حل مسئله، دانش‌آموزان را در وضعی قرار می‌دهد که او فرضیه‌های خود را از راه پژوهش و کاوش و به مدد شواهد موجود یا گردآوری شده، می‌آزماید و شخصاً از آنها نتیجه‌گیری می‌کند و ضمن رسیدن به هدف مورد نظر از روش‌های دانش‌اندوزی و جمع‌آوری اطلاعات نیز آگاه می‌شود. در الگوی حل مسئله دانش‌آموز محور فعالیت است و اطلاعات علمی مستقیماً به او انتقال داده نمی‌شود. معلم با طرح مسئله، دانش‌آموز را به فعالیت وادار می‌کند و در جهت حل آن او را راهنمایی می‌کند. روابط میان گروهی بین دانش‌آموزان وجود دارد و انتقال دوسویه (بین معلم و دانش‌آموز) است و شرایط و منابع آموزشی منحصر به کلاس و کتاب درسی نیست. الگوی حل مسئله به زمان، مکان، امکانات و معلمان باتجربه، بسیار نیازمند است.

- مراحل اجرا در الگوی حل مسئله : کلاس به گروه‌های ۵ یا ۶ نفره تقسیم می‌شود :
- ۱- یک مسئله طرح می‌شود (مسئله باید پاسخ پذیر و حل آن برای دانش‌آموزان امکان‌پذیر باشد).
 - ۲- دانش‌آموز با کمک و هدایت معلم اطلاعات موردنیاز را از طریق مطالعه و مشاهده گردآوری می‌کند.
 - ۳- دانش‌آموز راه حل‌های احتمالی را حدس می‌زند و فرضیه‌سازی می‌کند. در این مرحله دانش‌آموز ناگزیر است به تفکر بپردازد.
 - ۴- آزمایش فرضیه صورت می‌گیرد. برای آزمایش فرضیه دانش‌آموز باید اطلاعات و شواهد موجود را تحلیل کند و عواملی را که به پذیرش یا رد فرضیه منجر می‌شود، مشخص کند (در صورت نیاز، معلم اطلاعات زمینه‌ای در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد).
 - ۵- نتیجه‌گیری، اساس این الگوست و دانش‌آموز باید پیش‌بینی کند که نتایج به‌دست آمده چه قدر و تا چه اندازه به موارد جدید قابل تعمیم است و اینکه او دانش به‌دست آمده را در حل مسئله به کار گیرد.
- در این الگو همه دانش‌آموزان با همدیگر و نیز با معلم در ارتباط اند و نقش معلم، نقش مشاور و راهنماست.

مهارت ارزشیابی

اگر یادگیری را تغییر در رفتار دانش آموز در اثر تجربه‌های آموزشی بدانیم، ارزشیابی عبارت است از اندازه‌گیری میزان تغییرات ایجاد شده براساس هدف‌های تعیین شده در فعالیت‌های آموزشی و تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج آن. ارزشیابی همواره در جهت پیشرفت تحصیلی و ناظر بر هدف‌های آموزش است و در واقع بدون توجه به هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده ارزشیابی تحصیلی معنا نخواهد داشت. در همین جهت ترس و اضطراب از ارزشیابی نزد دانش‌آموزان بیشتر ناشی از عملکرد نادرست معلمان و روش‌های نادرست ارزشیابی است. هدف‌های ارزشیابی را می‌توان در مقوله‌های زیر به‌طور کلی بررسی کرد:

- ۱- ارزشیابی به‌عنوان وسیله‌ای برای شناخت توانایی و زمینه‌های علمی دانش‌آموزان و تصمیم‌گیری برای انجام دادن فعالیت‌های آموزشی است.
 - ۲- برای شناساندن هدف‌های آموزشی در فرایند تدریس است.
 - ۳- برای بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی است.
 - ۴- برای شناخت نارسایی‌های آموزشی دانش‌آموزان و تلاش برای ترمیم و بهبود آنهاست.
 - ۵- برای ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزش در دانش‌آموزان است، نه صرفاً برای تهدید و تعیین افراد قوی و ضعیف.
- ارزش‌گذاری اگر به نحو مطلوب انجام گیرد، مستقیماً در بهبود چگونگی یادگیری دانش‌آموزان تأثیر خواهد گذاشت، زیرا به آنها از میزان تلاش برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی و ایجاد انگیزه خبر خواهد داد. همچنین ارزشیابی تدریجی و دائمی باعث مرور مطالب از قبل یاد گرفته شده می‌گردد.

انواع ارزشیابی

- ۱- ارزشیابی تشخیصی که به منظور تعیین معلومات و رفتار ورودی و کشف دلایل اصلی مشکلات در یادگیری است.
- ۲- ارزشیابی تکوینی که به منظور اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مراحل مختلف تدریس که دو مقوله گام به گام پیش رفتن در یادگیری و اصلاح روش تدریس را دربر می‌گیرد.
- ۳- ارزشیابی پایانی (ارزشیابی تراکمی) که به منظور تعیین مقدار آموخته‌های دانش‌آموزان در طول یک دوره آموزشی و قضاوت درباره اثربخشی کار معلم و برنامه درسی انجام می‌گیرد.

انواع ارزشیابی برحسب نحوه اجرا

- ۱- ارزشیابی انفرادی که شامل ارزشیابی شفاهی و یا عملی است.
- ۲- ارزشیابی گروهی که شرایط یکسانی را برای همه دانش آموزان فراهم می آورد و معمولاً به صورت امتحان کتبی است.

انواع ارزشیابی برحسب تفسیر نتایج

- ۱- ارزشیابی معیاری که بر اساس معیار و ملاک مطلق از قبل تعیین شده تهیه می شود.
- ۲- ارزشیابی هنجاری که بر مبنای معیار و ملاک نسبی فراهم می گردد و در آن دانش آموزان از نمره زیاد به کم ردیف می شوند.

روش های مختلف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

در فرایند ارزشیابی، معلم نباید تنها از یک روش خاص استفاده کند، زیرا بسیاری از جنبه های رفتاری مختلف دانش آموزان را نمی توان به مرحله آزمون های ساده تنزل داد و باید آنها را در موقعیت واقعی سنجید. با توجه به تغییراتی که در حیطه مختلف یادگیری به وجود می آید، حداقل چهار روش ارزشیابی به شرح زیر وجود دارد.

۱- ارزشیابی از طریق مشاهده: هنگامی که از طریق مداخله حواس به خصوص دیدن درباره رفتار یا عمل معینی از فرد داوری می کنیم، از روش مشاهده استفاده کرده ایم. این شیوه از جنبه های مختلف بررسی شده است که مهم ترین آنها عبارت است از:

– مشاهده از لحاظ تعمق و دقت

– مشاهده از لحاظ خارجی یا داخلی بودن

خارجی: مشاهده رفتار فرد در حین انجام عمل و ثبت خصایص وی

داخلی: بیان خصوصیات رفتاری توسط خود فرد

– مشاهده از لحاظ موقعیت:

طبیعی: بدون آگاهی، رفتار و کار دانش آموز را زیر نظر بگیریم.

تصنعی: پس از فراهم کردن شرایطی خاص، رفتار دانش آموز را بررسی کنیم.

– مشاهده مستقیم یا غیرمستقیم:

در مشاهده مستقیم امکان بروز رفتار تصنعی در دانش آموز زیاد است ولی در مشاهده غیرمستقیم،

مشاهده کننده پنهان است و رفتار طبیعی تری بررسی می‌شود.

مزایا و محدودیت‌های روش مشاهده

الف) مزایا

– تفاوت‌های فردی در زمان غیر محدود بررسی می‌شود که می‌تواند نشان‌دهنده فعالیت‌های طبیعی دانش‌آموزان باشد.

– برای همه گروه‌های آموزشی (سنین و مراحل مختلف تحصیل) قابل اجراست.

ب) محدودیت‌ها

– انجام این روش مستلزم دقت، هوشیاری و صرف وقت زیاد است.

– امکان ایجاد موقعیت مناسب برای همه دانش‌آموزان فراهم نیست. تفاوت تفسیر رفتار در همگان

وجود دارد.

۱- **ارزشیابی از طریق انجام کار:** اگر تغییرات ایجاد شده در دانش‌آموز در حیطه روانی-حرکتی باشد، لزوماً باید از این شیوه استفاده شود و تفاوت آن با شیوه مشاهده در این است که دانش‌آموز می‌داند که مورد آزمایش است و شرایط برای همه یکسان است. امتحان آزمایشگاه، کارگاه و ورزش از این طریق انجام می‌گیرد.

ارزشیابی از طریق آزمون شفاهی شیوه مناسبی برای سنجش معلومات، قدرت بیان، نظم فکری، استدلال، تمرکز افکار و شناخت حالات درونی مانند ترس و اضطراب است.

مزایا و محدودیت‌های این شیوه

الف) مزایا

– این گونه ارزشیابی می‌تواند بازخوردی فوری داشته باشد و مهارت‌های دانش‌آموزان را در رویارویی با واقعیت‌ها به دقت بسنجد.

– این گونه ارزشیابی قدرت بیان و استدلال دانش‌آموزان و اظهار نظر آنها را در حضور جمع تقویت می‌کند.

– این ارزشیابی برای دانش‌آموزان دوران آمادگی و کلاس اول که قدرت نوشتاری کمی دارند، مناسب است.

ب) محدودیت‌ها

– این شیوه مستلزم صرف وقت زیاد و در نتیجه خسته کننده است و به تدریج از دقت آزمایش کننده کاسته می‌شود.

– دانش‌آموزان ممکن است به دلیل نقص بیان از گفتن پاسخ خودداری کنند.

– عوامل محیطی بر دانش‌آموز تأثیر فراوانی می‌گذارد؛ به نحوی که ممکن است وی به جای پاسخ صحیح، کلمات مبهمی به کار ببرد.

– عینیت و اعتبار ارزشیابی شفاهی نسبت به آزمون کتبی کمتر است.

۱- ارزشیابی از طریق آزمون کتبی: این آزمون‌ها بر دو نوع است:

الف) آزمون‌های استاندارد شده

ب) آزمون‌هایی که معلم طرح کرده است.

آزمون‌های استاندارد شده توسط مؤسسات آزمون‌سازی به منظور ارزشیابی دوره‌های تحصیلی گروه‌های بزرگ دانش‌آموزان طراحی می‌شود که همراه با راهنمای دقیق در اختیار معلم قرار می‌گیرد و دارای پایایی و اعتبار است.

آزمون‌هایی که معلم طرح می‌کند، غالباً برای تعیین میزان موفقیت دانش‌آموزان در رسیدن به هدف‌های آموزشی طرح ریزی می‌شود.

تفاوت بین آزمون‌های استاندارد شده و آزمون‌های معلم

۱- آزمون‌های استاندارد در مقایسه با آزمون‌های معلم به زمان و تخصص بیشتری نیاز دارد.

۲- نتایج آزمون‌های استاندارد، مشخص، قطعی و قابل بررسی است.

۳- آزمون‌های استاندارد برای استفاده در مناطق مختلف و مقایسه دانش‌آموزان مدارس مناطق مختلف با یکدیگر تهیه می‌شود.

انواع آزمون‌های معلم: معمولاً به دو صورت عینی و انشایی است.

آزمون‌های عینی جواب‌های معین و از پیش تعیین شده دارند که انواع آن عبارت‌اند از:

۱- پرسش‌های چندگزینه‌ای

۲- پرسش‌های صحیح و غلط

۳- پرسش‌های جورکردنی

۴- پرسش‌های کامل‌کردنی

۵- پرسش‌های کوتاه پاسخ

آزمون تشریحی که بیشتر معلمان به علت سهولت تهیه از آنها استفاده می‌کنند، جهت ارزشیابی سطوح بالای شناختی از جمله تجزیه و تحلیل، ترکیب و قضاوت بسیار اهمیت دارد ولی محدودیت‌هایی نیز از قبیل دخالت نظر تصحیح‌کننده، وقت‌گیر بودن تصحیح، عدم امکان سنجش سرعت انتقال و آمادگی ذهنی دانش‌آموزان را دارد.

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

ارزشیابی یکی از عناصر بسیار مهم برنامه‌درسی است که تنها به پرسش‌های کلاسی یا آزمون‌های پایانی محدود نمی‌شود. وقتی که محصول برنامه‌درسی به شکل بسته آموزشی در اختیار مخاطبان و مجریان قرار گرفت، انتظار می‌رود معلمان به منظور اطمینان از میزان تحقق اهداف برنامه، از آزمون‌ها و شیوه‌های توصیه شده برای ارزشیابی استفاده کنند. پیشنهاد می‌شود در انتخاب شیوه‌های ارزشیابی اصول زیر رعایت شود:

۱- شیوه ارزشیابی با اهداف آموزشی و سایر عناصر برنامه متناسب باشد و معلوم کند که هر کدام از شیوه‌ها و مهارت‌ها چه دانش، مهارت و نگرشی را اندازه می‌گیرد.

۲- شیوه ارزشیابی باید با رویکرد برنامه تناسب داشته باشد؛ مثلاً در برنامه‌ای که فعالیت محور است، شیوه‌های ارزشیابی در عین توجه به فرایند آموزش، نتیجه و محصول آموزشی را نیز مورد توجه و سنجش قرار می‌دهد.

۳- شیوه انتخاب شده، نسبت به سایر شیوه‌ها، کارایی بیشتری داشته باشد.

۴- به تناسب ماهیت اهداف و سایر عناصر برنامه از شیوه‌های متعدد استفاده شود.

برای ارزشیابی از میزان تحقق اهداف راهنمای برنامه‌درسی حوزه تربیت و یادگیری دوره اول متوسطه جهت‌گیری‌ها و رویکردهای زیادی قابل طرح است. در این برنامه با توجه به اصول و مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی و نیز اهمیت برخی روش‌های ارزشیابی در این درس به اصول زیر تکیه و تأکید می‌شود:

۱- اصل ارزشیابی از مهارت‌های شفاهی زبان

۲- اصل ارزشیابی تلفیقی از مهارت‌های کتبی زبان

۳- اصل ارزشیابی از فرایند آموزش و فعالیت‌های دانش‌آموزان

۴- اصل ارزشیابی مستمر (تکوینی) و توصیفی در کنار ارزشیابی پایانی

با توجه به ماهیت راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری و نیز نوع ارزشیابی حاکم بر آموزش، برای ارزشیابی این درس روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- روش کتبی

۲- روش شفاهی

۳- روش مشاهده رفتار

برای استفاده درست از روش‌های فوق و رعایت رویکردهای ارزشیابی در این برنامه، از ابزارهای زیر می‌توان بهره گرفت:

۱- آزمون کتبی شامل سؤالات تکمیل کردنی، کوتاه پاسخ، انشایی و ... از ریز مهارت‌های نوشتاری.

۲- آزمون شفاهی شامل پرسش‌های شفاهی از مهارت‌های گوش دادن، گفتن و خواندن و ریز مهارت‌های خوانداری.

۳- چک لیست، ابزار اندازه‌گیری عملکرد دانش‌آموز در مهارت‌های ارتباطی، توانایی‌های ذهنی، شرکت در فعالیت‌های گروهی و مهارت‌های شفاهی زبان

شیوه‌نامه پیشنهادی ارزشیابی فارسی

ارزشیابی آزمون‌های مستمر و پایانی درس‌های فارسی (مهارت خواندن و کار بست ریز مهارت‌های خوانداری)، انشا (مهارت نگارش و خلاقیت‌های نوشتاری) و املا (مهارت درست‌نویسی و توانایی تشخیص شکل‌های نوشتاری)، منطبق با مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و آیین‌نامه ارزشیابی دوره متوسطه یک به شرح زیر است:

۱- خواندن فارسی: شفاهی - عملی (۲۰ نمره)

ارزشیابی تکوینی؛ ۲۰ نمره: آزمون تکوینی (مستمر) می‌تواند شامل موارد زیر باشد: روخوانی متن با رعایت آهنگ و لحن مناسب آن، درک مطلب، خود ارزیابی، دانش‌های زبانی و ادبی، کارگروهی، حفظ شعر، مطالعه و کتاب خوانی و پژوهش، توانایی در سخنوری و فن بیان، پاسخ به فعالیت‌ها و تمرین‌ها، شعر خوانی و روان خوانی.

یادآوری: نمره هر یک از ریز مواد بالا به تشخیص معلم و متناسب با شرایط کلاس و درس تعیین می‌شود.

ارزشیابی پایانی؛ ۲۰ نمره

خواندن: ۱۰ نمره (روخوانی ۵+ درک مطلب ۵)

شناخت و اثرگان در جمله: ۳ نمره (مترادف، مخالف، شبکه معنایی)

دانش‌های زبانی و ادبی: ۵ نمره (دانش زبانی ۲ نمره+ دانش ادبی ۲ نمره+ تاریخ ادبیات ۱ نمره)

حفظ شعر: ۲ نمره

نمره نهایی: میانگین ارزشیابی تکوینی و پایانی (۲۰=۲۰ : ۲=۲۰)

یادآوری: در هر نوبت به دلخواه دانش آموز، فقط یک شعر حفظی خواسته شود.

۲- املاي فارسي: کتبی (۲۰ نمره)

ارزشیابی تکوینی؛ ۲۰ نمره: ۲۰ نمره املاي تقریری تقسیم بر دو + ۱۰ نمره فعالیت‌های

املاي بخش نوشتن و پرسش‌های معلم ساخته

ارزشیابی پایانی؛ ۲۰ نمره: ۲۰ نمره املاي تقریری

نمره نهایی: میانگین ارزشیابی تکوینی و پایانی (۲۰=۲۰ : ۲=۲۰)

یادآوری: املاي تکوینی همیشه از درس خوانده شده، نیست. می‌توان از درس‌های پیشین و

حتی دیگر کتاب‌های درسی همان پایه نیز به دانش‌آموزان املا گفت.

نمره گذاری درس ادبیات فارسی پایه هفتم، هشتم و نهم دوره اول متوسطه

شهریور	پایانی نوبت دوم		پایانی نوبت اول	موضوع
	نیمه دوم کتاب	نیمه اول کتاب		
۶	۴	۲	۶	معنی شعر و نثر
۲	۱/۵	۰/۵	۲	شناخت و معنی واژه
۴	۳	۱	۴	درک متن
۳	۲/۵	۰/۵	۳	دانش‌های زبانی و ادبی
۳	۲	۱	۳	خودارزیابی
۲	۲	—	۲	حفظ شعر
۲۰	۲۰		۲۰	جمع

– قلیان‌ها شکسته شد. تمباکو تحریم شد. شاه به تنگنا درافتاد و توطئه اینگیلیس شکست خورد.

۶– دو کلمه بنویسید که با حرف «ص» پایان می‌یابد.

۷– دو واژه بنویسید که با حرف «ظ» آغاز شود.

۸– غلط‌های املایی را در متن زیر پیدا کنید و شکل صحیح آنها را بنویسید.

۹– نام اشیاء و تصاویر زیر را به املای درست بنویسید. – تصویر – تصویر

۱۰– صدای «ز» چند شکل دارد. برای هر یک، کلمه‌ای بنویسید.

۱۱– با هریک از حروف زیر، یک واژه از کتاب درسی بنویسید. الف) ص :

ب) ت :

روش‌های اشاعه و تثبیت برنامه

هر ماده آموزشی حتی اگر به بهترین شکل ممکن طراحی، سازماندهی و تولید شود، چنانچه مجریان آن از کم و کیف اجرای آن مطلع نباشند، قادر به اجرای مطلوب نخواهند بود. در نتیجه برنامه‌ریز درسی و مؤلف از بازخورد واقعی آن آگاه نمی‌شوند. به همین سبب، لازم است برنامه درسی برای دستیابی به نتایج مطلوب، در میان دست‌اندرکاران و مجریان اشاعه گردد. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری از دو طریق رسمی و غیر رسمی اشاعه و ترویج داده خواهد شد.

الف) آموزش رسمی

از آنجا که معلمان، مجریان واقعی برنامه درسی‌اند، جهت آگاهی و تسلط آنها اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت ضروری است. از سوی دیگر برای جلوگیری از اتلاف نیروی انسانی و مالی، لازم است قبل از اجرای همگانی، کتاب‌های فارسی در گروهی نمونه از دانش‌آموزان به طور آزمایشی اجرا شود.

اهداف آموزش معلمان

۱– آشنایی با مؤلفه‌های راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری

۲– کسب اطلاعات پایه در زمینه مهارت‌های زبانی و ادبی

۳– آشنایی با روش‌های متناسب تدریس در آموزش زبان و ادبیات فارسی

۴– توانایی در به‌کارگیری روش‌های تدریس متنوع و فعال

۵– آگاهی از نحوه پرورش تفکر خلاق در درس زبان و ادبیات فارسی

۶– آشنایی با نحوه تهیه فعالیت‌های تکمیلی با توجه به شرایط آموزشی، فرهنگی و منطقه‌ای

۷- افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌ها و عملکرد معلمان زبان و ادبیات فارسی
۸- روزآمد کردن دانش‌ها و مهارت‌ها و نگرش‌های معلمان، متناسب با نیازهای برنامه جدید
۹- ایجاد توانایی بیشتر جهت تدریس زبان و ادبیات فارسی در مناطق دوزبانه
صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان زبان و ادبیات فارسی؛ انتظارات برنامه درسی از معلمان در موارد زیر تبیین شده است:

- ۱- دبیران متخصص با کارشناسی، زبان و ادبیات فارسی کتاب را تدریس کنند.
- ۲- یک معلم، کلیه دروس مربوط به زبان و ادبیات فارسی را تدریس کند و از تفکیک ساعات و تقسیم یاددهی - یادگیری و مسائل تعلیم و تربیت آن، میان دبیران غیرمتخصص جداً پرهیز شود.
- ۳- معلم با روش‌های نوین آشنایی داشته باشد.
- ۴- دوره‌های آموزش ضمن خدمت را بگذراند.
- ۵- برای تدریس از دانش و مهارت کافی معلمی برخوردار باشد.
- ۶- با برنامه جدید زبان آموزی فارسی ابتدایی آشنایی داشته باشد.
- ۷- ابعاد برنامه جدید فارسی اول متوسطه را به خوبی بشناسد.

شیوه‌های اجرا

۱- با توجه به تعداد زیاد فراگیران، آموزش معلمان به شیوه خوشه‌ای اجرا می‌شود. (کشوری، استانی، منطقه‌ای)

مرحله اول: تأمین مدرس برای اجرای دوره‌های آموزشی استان‌ها و مناطق

مرحله دوم: تربیت معلمان زبان و ادبیات فارسی در مناطق و شهرستان‌ها

۲- فیلم‌ها و نوارها و لوح‌های فشرده آموزشی و کمک آموزشی برای خانواده‌ها، معلمان و دانش‌آموزان طراحی و تهیه گردد.

ب) آموزش غیر رسمی

۳- اطلاع‌رسانی از طریق صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

۴- تشریح برنامه درسی با نوشتن مقالاتی در مجله رشد

۵- تبیین برنامه درسی از طریق نوشتن مقالاتی در روزنامه‌های کثیرالانتشار

۶- تهیه و تدوین فعالیت‌های تکمیلی برای دانش‌آموزان در مجله رشد نوجوان

۷- تهیه ویژه‌نامه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی

۸- برقراری ارتباط با مدرسان و معلمان زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه از طریق تماس تلفنی، بخش نامه‌های آموزشی، رایانامه و پایگاه رایانه‌ای رشد

ج) مواد و امکانات آموزشی

۱- کتاب راهنمای معلم: این کتاب از سه بخش اساسی زیر تشکیل می‌شود و در دو قالب (کتاب، لوح فشرده) ارائه می‌گردد.

- کلیات شامل اهمیت آموزش زبان و ادبیات، عناصر راهنمای برنامه، شیوه‌های آموزش، اهداف و سرفصل‌ها، ارزشیابی و ...

- بررسی دروس، شامل توضیح اجمالی نکات مهم درس و ارائه راهکارهای عملی جهت اجرای بهتر مهارت‌ها در کلاس

- پیوست‌ها، شامل معرفی کامل منابع، مآخذ، اعلام، نمونه‌های کمکی و مشابه

۲- مجله: شامل مجله‌های رشد آموزش زبان و ادب فارسی و دیگر مجلاتی که بتواند مستقیم و غیرمستقیم در تأمین اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی مؤثر باشد.

۳- فناوری آموزشی

فیلم: فیلم داستانی جهت دانش‌آموز و فیلم‌های آموزشی برای معلم

نوار صوتی: نوارهای داستان، اشعار، سرود و ... که براساس محتوای کتاب‌ها تهیه و در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

لوح فشرده: این وسیله آموزشی برای آموزش زبان فارسی در منزل و مدارس مجهز به رایانه میسر است.

توجه: این کتاب شامل نمونه‌هایی از الگوهای تدریس، مباحث زبان آموزی و ادب‌آموزی، زبان‌شناسی، مبانی ادبیات فارسی، رویکردها و ... برای هر سه پایه خواهد بود.